

دوم فروردین ۱۳۴۲

## آمیزه‌ای از شهادت مبارزان و خشونت درباریان

فاطمه صوفی آبادی

### ◆ چکیده

دوم فروردین سال ۴۲ و حمله مأموران رژیم مشروطه سلطنتی به مدرسه فیضیه قم و طالبیه تبریز و کشتار بیرحمانه طلاب علوم دینی را باید پیش زمینه‌های جنبش ۱۵ خرداد سال ۴۲ تلقی کرد. رژیم شاه که احساس کرده بود روحانیت شیعه بر خلاف روش‌های گذشته با برنامه‌های قوی‌تر و جدیدتری به مقابله با سیاست‌های استقلال بر باد ده نظام سلطنتی آمده است در حمله به مدرسه فیضیه به دنبال نشان دادن اقتدار خود در برخورد با روحانیت و اسلام بود. بازخوانی پیوسته این رخداد از زاویه اسناد به جامانده فضای جدیدی برای درک تحولات دوران معاصر و زمینه‌های انقلاب اسلامی است. کلیدواژه‌ها: مدرسه فیضیه، رژیم پهلوی، خرداد ۴۲، طلاب علوم دینی، شهادت.

نقشه حکام تهران عمیق‌تر از آن است که ما تصور می‌کنیم، نقشه آنان از بستن مدرسه فیضیه و به زندان کشیدن علما و طلاب، بر هم زدن حوزه علمیه قم و از بین بردن اسلام و روحانیت است. آنها نه اسلام می‌خواهند و نه روحانیت را؛ چون می‌بینند با بودن روحانیت و اسلام، نمی‌توانند دستورات اربابان خود را در مملکت اجرا کنند و ایران را به کلی به خارج وابسته کنند.

امام خمینی (ره)

### ◆ مدرسه فیضیه؛ سنگر استقلال ایران و پایگاه اتحاد ایرانیان

مدرسه فیضیه یکی از مدارس معروف علوم دینی جهان است. این مدرسه از بناهای دوره صفویه است که به دستور شاه تهماسب اول ساخته شد. بنای کنونی این مدرسه در شمال صحن عتیق حرم مطهر در سال ۱۲۱۳ به دستور فتحعلی‌شاه قاجار جایگزین بنای مدرسه آستانه شد که از آثار قرن ششم هجری قمری بود. این مدرسه در محوطه‌ای به وسعت یازده هزار متر مربع واقع شده است. در انتهای مدرسه قبل بالاخانه دلگشایی بود که اکنون حوض‌خانه جایگزین آن شده است. در این بالاخانه که محل ریاضت و جایگاهی بس شریف بود، میرداماد مکاشفاتی داشت، شیخ بهایی به ریاضت مشغول بود، میرفندرسکی به تحصیل و صدرالمتألهین به تألیفات خود می‌پرداخت.

مدرسه فیضیه در دوره حکومت پهلوی پس از مهاجرت آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری از اراک به قم و تجدید حیات حوزه علمیه رونق تازه‌ای یافت و به دستور ایشان حجره‌های طبقه دوم مدرسه و کتابخانه‌ای در آن قسمت احداث شد.

این مدرسه در جریان نهضت امام خمینی و انقلاب اسلامی از کانون‌های مهم و فعال شکل‌گیری مبارزات علیه رژیم پهلوی به شمار می‌آمد و یادآور حماسه دوم فروردین و پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ می‌باشد. واقعه حمله نظامیان رژیم شاه به مدرسه فیضیه در سالروز شهادت امام جعفر صادق (ع) هر چند خاطره‌ای تلخ در دوران نهضت امام به شمار می‌رود ولی

منشأ بسیاری از رخدادهای سیاسی در روند انقلاب می‌باشد.

### ◆ علل و زمینه‌های حمله به مدرسه فیضیه

زمینه‌های اصلی و اساسی چالش بین روحانیون و هیأت حاکمه در آغاز دهه ۴۰ به عملکرد کارگزاران نظام در زمینه انجام اصلاحاتی در ساختار جامعه مربوط بود. پس از رحلت آیت‌الله‌العظمی بروجردی در فروردین ۱۳۴۰، رژیم محمدرضا کوشید تا به برنامه‌های خود سرعت بیشتری ببخشد. انتقال مرجعیت شیعه به خارج از ایران، پیگیری طرح اصلاحات ارضی، طرح ضد اسلامی «تصویبنامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی» و «انقلاب سفید» مهم‌ترین اقدامات شاه در فاصله سال‌های ۴۰ و ۴۲ بود.



واقع‌ه حمله نظامیان رژیم شاه به مدرسه فیضیه در سالروز شهادت امام جعفر صادق (ع) هر چند خاطره‌ای تلخ در دوران نهضت امام به شمار می‌رود ولی منشأ بسیاری از رخدادهای سیاسی در روند انقلاب می‌باشد.

لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که به منظور قانونی کردن حضور عناصر بهایی در مصادر کشور انتخاب شده بود در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۴۱ به تصویب کابینه اسداله علم رسید. امام خمینی به همراه علمای بزرگ قم و تهران به دنبال انتشار خبر تصویب آن لایحه به اعتراضات همه‌جانبه دست زدند که با حمایت قشرهای مختلف مردم روبه‌رو شد. رژیم



شاه ابتدا به تبلیغاتی علیه روحانیت دست زد ولی دامنه قیام رو به فزونی نهاد. در برخی شهرها بازارها تعطیل شد و مردم در مساجد به حمایت از حرکت علما گرد آمدند. مخالفت بسیاری از مراجع و روحانیون در مقابل آن طرح‌ها و گسترش دامنه اعتراضات مردمی کارگزاران نظام شاهنشاهی را بر آن داشت تا یک

ماه و نیم پس از آغاز ماجرا، عقب‌نشینی کنند و تسلیم خواسته‌های مراجع شوند. دولت با ارسال پاسخ مکتوب شاه و نخست‌وزیر در صدد توجیه و دلجویی از علما برآمد. اما امام خمینی سرسختانه مخالفت کرد، ایشان خواستار لغو رسمی مصوبه و انتشار خبر آن بودند. سرانجام رژیم شاه به شکست تن داد و رسماً در ۷ آذر ۱۳۴۱، هیأت دولت مصوبه قبلی را لغو نمود و خبر آن را به علما اطلاع داد. امام لغو مصوبه در پشت درهای بسته را کافی ندانست و بر ادامه قیام تأکید ورزید. فردای آن روز خبر لغو تصویبنامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در روزنامه‌های دولتی منعکس شد و مردم نخستین پیروزی خود را پس از ملی شدن صنعت نفت جشن گرفتند. اما چندی بعد کارگزاران رژیم سعی کردند در ترفندی دیگر از طریق برگزاری فراندوم اهداف خود را به کرسی بنشانند.

در ماه‌های پایانی سال ۱۳۴۱ شاه در حالی که طعم شکست تصویبنامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را چشیده بود تصمیم گرفت اصولی را که از طرف هیأت حاکمه جدید امریکا در قالب «اصلاحات» به او دیکته شده بود به فراندوم بگذارد. این اصول که در ۶ ماده تدوین و تنظیم شده و با عنوان «انقلاب شاه و ملت» و «انقلاب سفید» مشهور بود، همان برنامه‌هایی بود که در بعضی کشورهای امریکای لاتین توسط دولت‌های وابسته به امریکا اجرا شده بود.

یک سال پس از تصویب قانون اصلاحات ارضی در هیأت دولت در ۱۹ دی ماه ۱۳۴۱، جلسه‌ای با شرکت تعدادی از کشاورزان و مسئولان در یکی از سالن‌های ورزشی تشکیل شد. در این جلسه شاه طی سخنانی اصول ششگانه خود را تحت عنوان «انقلاب سفید» اعلام کرد... حرکت جدید محمدرضا پهلوی، ورود او به صحنه مبارزه با روحانیون و مخالفینش به حساب می‌آمد. وی می‌دانست تأخیر در اجرای برنامه‌های مورد نظر امریکا با سقوط سلطنتش همراه خواهد بود. از این رو با استفاده از تجربه لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی تصمیم گرفت، اولاً با اعمال قدرت با حرکت‌های مخالفان مقابله کند، ثانیاً اقدام خود را در غیاب مجلسین، قانونی و

خواست ملت جلوه دهد...<sup>۱</sup>

شاه به دستور اربابان امریکایی خود در ۱۹ دی ماه ۱۳۴۱ وارد عمل شد و به معرفی اصول ضد اسلامی خود پرداخت.

... اصولی که من به عنوان پادشاه مملکت و رئیس قوای سه‌گانه به آرای عمومی می‌گذارم و بدون واسطه و مستقیماً رأی ملت ایران را در استقرار آن تقاضا می‌کنم به شرح زیر است:

۱. الغای رژیم ارباب - رعیتی با تصویب اصلاحات ارضی ایران بر اساس لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۹ دی ماه ۱۳۴۰ و ملحقات آن.
۲. تصویب لایحه قانون ملی کردن جنگل‌ها در سراسر کشور.
۳. تصویب لایحه قانون فروش سهام کارخانجات دولتی به عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی.
۴. تصویب لایحه قانون سپیم کردن کارگران در منافع کارگاه‌های تولیدی و صنعتی.
۵. لایحه اصلاحی قانون انتخابات.
۷. لایحه ایجاد سپاه دانش به منظور اجرای تعلیمات عمومی و اجباری.<sup>۲</sup>

اصلاحات شاهانه نظر برخی از مردم روشنفکرزده را به خود جلب کرد و آن را مثبت و مسیری برای رشد و پیشرفت خود و جامعه می‌دانستند. مسائلی چون اصلاحات ارضی، سپیم کردن کارگران در کارخانه‌ها، سپاه دانش و قانون ملی کردن جنگل‌ها ظاهری عوام‌پسندانه داشت و مخالفت با آنها اعتراض افراد ناآگاه را در پی داشت.

در این میان احزاب ملی‌گرا با شعار «اصلاحات آری، دیکتاتوری هرگز» به آنچه که دستگاه حکومتی شاه از آن به عنوان «اصلاحات» یاد می‌کرد، چراغ سبز نشان دادند. کمونیست‌ها نیز با این تحلیل که «اصلاحات شاهانه روند تغییر دیالکتیکی نظام فئودالی به نظام سلطنتی و سرمایه‌داری را تسریع می‌کند»، با موضع رادیو مسکو هماهنگ شده و اصول «انقلاب سفید»

۱. جواد منصوری، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۳۵، ۳۳۶.

۲. سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی، تهران، عروج، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۴۹.

را مترقی خواندند، چنان‌که همین‌ها قیام ۱۵ خرداد ۴۲ را نیز حرکتی ارتجاعی و در حمایت از فئودال‌ها لقب دادند.<sup>۱</sup>

آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب در خاطرات خود درباره دسیسه‌های شاه برای از بین بردن اسلام آورده است:

در سال ۱۳۴۱ از طرف محمدرضا شاه مخلوع قوانینی بر ضد اسلام و قرآن تصویب شد که بخشی از آن تحت عنوان «انقلاب شاه و ملت» بود. مقاصد این قوانین که از بین بردن تمام احکام اسلام و ریشه‌کن کردن آن بود از همان ابتدا معلوم بود. به طوری که شاه خود صریحا می‌گفت: «دین در دستگاه ما

**متعاقب پخش اعلامیه امام، بازار تهران تعطیل شد. بازاریان و کسبه جنوب تهران تظاهراتی برپا کردند و آیت‌الله خوانساری و جمعی دیگر از روحانیون با آنان همراه شدند.**

نقشی ندارد.» در آن زمان کسی که متوجه این مخاطرات شد حضرت آیت‌الله امام خمینی بود. این بزرگوار هوشیاری کامل داشت و لذا شروع به مبارزه کرد و از همه علما خواست که در این قیام هم‌صدا شوند.<sup>۲</sup>

امام در سخنرانی‌های روشن‌گرانه خود به دسیسه و توطئه‌های شاه، خطر نابودی دین اسلام و وابستگی لویح به اسستعمارگران، اشاره کرده و بر مسئولیت علما و روحانیون در بیدارسازی ملت ایران تأکید ورزیدند.

امام به دنبال سخنرانی‌های خود در مخالفت با رفتارندوم شاه، اعلامیه‌ای در این رابطه در تاریخ اول بهمن ۱۳۴۱ صادر کردند. در این اعلامیه آمده است:

۱. حمید انصاری، حدیث بیاری، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۴۱.

۲. خاطرات ۱۵ خرداد شیراز، به کوشش جلیل عرفان‌منش، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ج ۲،

هر چند میل نداشتیم مطلب به اظهار نظر برسد، لهذا مصالح و مفاسد را به وسیله آقای بهبودی به اعلیحضرت تذکر دادم و انجام وظیفه نمودم و مقبول واقع نشد. اینک باید به تکلیف شرعی عمل کنم.

به نظر اینجانب این فراندوم که به لحاظ رفع برخی اشکالات به اسم «تصویب ملی» خوانده شد، رأی جامعه روحانیت اسلام و اکثریت قاطع ملت است در صورتی که تهدید و تطمیع در کار نباشد و ملت بفهمد که چه می‌کند.

اینجانب عجالتا از بعضی جنبه‌های شرعی آنکه اساسا فراندوم یا تصویب ملی در قبال اسلام ارزشی ندارد و از بعضی اشکالات اساسی و قانونی آن برای مصالحی صرف نظر می‌کنم. فقط به پاره‌های اشکالات اشاره می‌نمایم:

۱. در قوانین ایران فراندوم پیش‌بینی نشده و تاکنون سابقه نداشته جز یک مرتبه، آن هم از طرف مقاماتی غیر قانونی اعلام شد و به جرم شرکت در آن جمعی گرفتار شدند و از بعضی حقوق اجتماعی محروم گردیدند. معلوم نیست چرا آن وقت این عمل «غیر قانونی» بود و امروز قانونی است؟!

۲. معلوم نیست چه مقامی صلاحیت دارد فراندوم نماید و این امری است که باید قانون معین کند.

۳. در ممالکی که فراندوم قانونی است باید به قدری به ملت مهلت داده شود که یکیک مواد آن مورد نظر و بحث قرار گیرد و در جراید و وسایل تبلیغاتی، آرای موافق و مخالف منعکس شود و به مردم برسد نه آنکه به طور مبهم با چند روز فاصله بدون اطلاع ملت اجرا شود.

۴. رأی دهندگان باید معلوماتشان به اندازه‌ای باشد که بفهمند به چه رأی می‌دهند؛ بنابراین اکثریت قاطع، حق رأی دادن در این مورد را ندارند و فقط بعضی اهالی شهرستان‌ها که قوه تشخیص دارند صلاحیت رأی دادن در موارد ششگانه را دارند که آنان هم بی‌چون و چرا مخالف هستند.

۵. باید رأی دادن در محیط آزاد باشد و بدون هیچ‌گونه فشار و زور و تهدید و تطمیع

انجام شود و در ایران این امر عملی نیست و اکثریت مردم را سازمان‌های دولتی در تمام نقاط و اطراف کشور ارباب کرده و در فشار و مضیقه قرار داده و می‌دهند. اساساً پیش آوردن رفراندوم برای آن است که تخلفات قانونی قابل تعقیب، که ناچار مقامات مسئول گرفتار آن می‌شوند لوٹ شود و کسانی که در مقابل قانون و ملت مسئول هستند، اعلیحضرت را اغفال کرده‌اند که به نفع آنان این عمل را انجام دهند. اینان اگر برای ملت می‌خواهند کاری انجام دهند چرا به برنامه اسلام و کارشناسان اسلامی رجوع نکرده و نمی‌کنند تا با اجرای آن برای همه طبقات، زندگی مرفه تأمین شود و در دنیا و آخرت سعادت‌مند باشند... به نظر می‌رسد این رفراندوم اجباری مقدمه برای از بین بردن مواد مربوط به مذهب است. علمای اسلام از عمل سابق دولت راجع به انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی برای اسلام و قرآن و مملکت احساس خطر کرده‌اند...<sup>۱</sup>

با انتشار اعلامیه امام، نگرانی رژیم افزایش یافت و در نتیجه ساواک طی بخشنامه‌ای در ۱۳۴۱/۱۱/۳ دستور سرکوبی و آمادگی کامل را به نیروهای نظامی و انتظامی صادر کرد.



متعاقب پخش اعلامیه امام، بازار تهران تعطیل شد. بازاریان و کسبه جنوب تهران تظاهراتی برپا کردند و آیت‌الله خوانساری و جمعی دیگر از روحانیون با آنان همراه شدند. تظاهرکنندگان وارد منزل آقای بهبهانی شدند و آقای فلسفی درباره خطراتی که اسلام، استقلال ایران و جامعه اسلامی را تهدید می‌کند سخنرانی کرد. پس از سخنرانی ایشان و خروج مردم از منزل



آقای بهبهانی یورش وحشیانه مأموران آغاز شد. به دنبال آن مردم به مسجد سید عزیزالله رفته و در آنجا اجتماع کردند، مأموران مردم را محاصره نمودند، عده زیادی دستگیر و مجروح شدند و مانع رسیدن آیت‌الله خوانساری به مسجد گشتند. این ماجرا اولین رهاورد «انقلاب سفید» بود.



**سرهنگ مولوی که خود نیز با لباس مبدل، به مدرسه فیضیه آمده بود، با یک جفت دستکش سفید - به عنوان علامت - در زاویه ایوان یکی از حجره‌ها ایستاده بود و عملیات را فرماندهی می‌کرد. او با کشیدن سوتی دژخیمان را گرد آورد و فرمان حمله داد.**



دومین سند غیر قانونی بودن فراندوم ماجرای سوم بهمن ماه ۱۳۴۱ می‌باشد. در این روز روحانیون تهران به منظور طرح‌ریزی نقشه‌ای برای مقابله با فراندوم شاه در منزل شیخ محمد غروی اجتماع کردند؛ مأموران رژیم به منزل نامبرده حمله کردند و هر کس را در آنجا یافتند دستگیر نمودند و به زندان فرستادند. در روز چهارم بهمن نیز مأموران ساواک به دانشگاه تهران یورش بردند و دانشجویان را به شدت مجروح ساختند.

در قم نیز مخالفت مردم به صورت اعتصاب، تظاهرات، تعطیل عمومی و اجتماع در منازل علما دیده می‌شد. شاه ناگزیر برای کاهش دامنه اعتراضات مردم عازم آن شهر گردید. امام خمینی با پیشنهاد استقبال مقامات روحانی از شاه به شدت مخالفت نمود و خروج از منازل و مدارس را در روز ورود شاه به قم تحریم کرد.

تأثیر تحریم چنان بود که نه تنها مردم شهر و روحانیون به استقبال شاه نرفتند، بلکه تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه نیز از انجام این عمل سر باز زد و همین امر موجب عزل او گردید. شاه در سخنرانی خود در حضور جمعی از کارگزاران رژیم خشم خود را نسبت به

روحانیون و مردم با رکیک‌ترین عبارات ابراز نمود. وی روحانیت را «ارتجاع سیاه» و بدتر از «ارتجاع سرخ»، «صد برابر خائن‌تر از حزب توده» و «مخالف اصلاحات» نامید و از هرگونه توهین به آنان دریغ نورزید.

درگیری بین مأموران و حاضران در مدرسه فیضیه تا ساعت ۷ بعد از ظهر آن روز ادامه داشت و در پایان مأموران لباس‌ها، کتاب‌ها و بسیاری از لوازم طلاب را در صحن مدرسه به آتش کشیدند.

حسین فردوست در کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی درباره نظر شاه راجع به مخالفان رفراندوم آورده است: ... در آن زمان محمدرضا به دستور کندی طرح «انقلاب سفید» را عملی می‌ساخت و لذا یک قالب تبلیغاتی مشخص یافته بود و هر مخالفتی را با این قالب به سادگی تحلیل می‌کرد: هر کس، حتی همه مردم، اگر مخالف دیکتاتوری او بودند مخالف

اصلاحات ارضی او تلقی می‌شدند و طبق این قالب، فتوادل بودند!... ساواک نیز طبعا نمی‌توانست خارج از این قالب را ببیند... گزارشات اداره کل سوم از فعالیت روحانیت همیشه تکرار مکرر این مسأله بود که روحانیون با «اصلاحات ارضی» مخالف اند و در فلان نقطه فلان اقدام را کرده‌اند. محمدرضا نیز دستور شدت عمل می‌داد...<sup>۱</sup>

رژیم با تبلیغات گسترده مردم را به شرکت در رفراندوم تحریک می‌کرد و در کارخانجات و ادارات دولتی، کارگران و کارمندان را به شرکت در آن وا می‌داشتند.

شاه می‌خواست همه‌پرسی پیشنهادی‌اش مورد تأیید احزاب و شخصیت‌های مورد قبول مردم خصوصا مراجع قرار گیرد تا علاوه بر داشتن وجهه قانونی، تأییدی نیز بر جنبه شرعی آن باشد، اما بر خلاف تمایل وی مخالفت گسترده‌ای با اقدام غیر قانونی و

موضع خشن و استبدادی او صورت گرفت... در روز ششم بهمن ۱۳۴۱ همه‌پرسی برگزار شد. در این همه‌پرسی شش اصل به رأی مردم گذاشته شد. گرچه بعدها اصول دیگری نیز به آن افزوده شد، ولی برای هیچ یک از آنها از مردم نظرخواهی نشد. هر چند اصل همه‌پرسی اولیه نیز ایراد داشت و آرای اعلام شده غیر واقعی بود؛ تعداد اصول انقلاب سفید در سال ۱۳۵۵ به ۱۷ اصل رسید.<sup>۱</sup>

رسانه‌های وابسته به رژیم از استقبال پرشور مردم از همه‌پرسی یاد می‌کرد، در حالی که شعبه‌های اخذ رأی خلوت بود. در پایان آرای موافق ۵/۵ میلیون نفر و آرای مخالف ۴۱۱۵ نفر اعلام شد و تعداد بانوان شرکت‌کننده را در آن ۲۷۱۱۷۹ نفر اعلام کردند و رژیم موفقیت دروغین خود را جشن گرفت.

بلافاصله پس از اعلام نتیجه فراندوم، کندی پیروزی شاه را تبریک گفت و راه وی را مورد حمایت قرار داد. روزنامه نیویورک تایمز با اشاره به انجام فراندوم و اجرای اصلاحات توسط شاه نوشت: «ایران برای دریافت کمک، شرایط مناسب‌تری پیدا کرده است.»<sup>۲</sup>

### ◆ تحریم عید نوروز؛ آغاز آشکار اتحاد مردم و روحانیون

تشدید سرکوب و افزایش خفقان، جنگ علنی تبلیغاتی علیه روحانیون، اظهارات صریح کارگزاران مبنی بر ادامه سیاست‌های اعلام شده، موجب ادامه اقدامات روحانیون در مخالفت با رژیم شاه بود.

عید نوروز ۱۳۴۲ فرصت مناسبی برای مقابله با جنگ روانی و تبلیغاتی رژیم بود. امام خمینی در نشستی که با علمای قم داشت پیشنهاد تحریم عید را مطرح کرد. علی‌رغم مخالفت‌های برخی علما و روحانیون به بهانه رسمیت نداشتن عید نوروز از سوی آنان و بی‌اعتنایی مردم به عزای ملی و عمومی، امام توانست موافقت برخی مقامات روحانی را به این

۱. جواد منصوری، همان، ص ۳۴۰.

۲. محمدحسن رجبی، زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۴۶.

پیشنهاد جلب کند و آنان را با خود همراه سازد. امام در ادامه با ارسال نامه‌هایی به علمای تهران و سایر شهرها از آنان خواست تا در این مبارزه با ایشان همراه شوند.

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت ذی شرافت حضرات علمای اعلام و حجج اسلام - دامت برکاتهم اعظم‌الله تعالی اجورکم. چنانچه اطلاع دارید دستگاه حاکمه می‌خواهد با تمام کوشش به هدم احکام ضروریه اسلام قیام؛ و به دنبال آن مطالبی است که اسلام را به خطر می‌اندازد؛ لذا اینجانب عید نوروز را به عنوان عزا و تسلیت به امام عصر - عجل‌الله تعالی فرجه - جلوس می‌کنم و به مردم اعلام خطر می‌نمایم. مقتضی است حضرات آقایان نیز همین رویه را اتخاذ فرمایند تا ملت مسلمان از مصیبت‌های وارده بر اسلام و مسلمین اطلاع حاصل نمایند. و السلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته.

روح‌الله الموسوی الخمينی<sup>۱</sup>

<p>۱۶ شوال ۱۳۸۲</p> <p>بسم الله الرحمن الرحيم</p> <p>خدمت ذی شرافت حضرات علماء اعلام و حجج اسلام دامت برکاتهم</p> <p>اعظم‌الله تعالی اجورکم چنانچه اطلاع دارید دستگاه حاکمه می‌خواهد با تمام کوشش بهدم احکام ضروریه اسلام قیام و بدنبال آن مطالبی است که اسلام را بخطر می‌اندازد لذا اینجانب عید نوروز را به‌عنوان عزا و تسلیت به امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه جلوس می‌کنم و به مردم اعلام خطر می‌نمایم مقتضی است حضرات آقایان نیز همین رویه را اتخاذ فرمایند تا ملت مسلمان از مصیبت‌های وارده بر اسلام و مسلمین اطلاع حاصل نمایند والسلام علیکم ورحمت‌الله و برکاته</p> <p>روح‌الله الموسوی الخمينی</p>	<p>ایشان به دنبال ارسال نامه برای مقامات روحانی، اعلامیه تاریخی و کوبنده خود را با عنوان «روحانیت امسال عید ندارد» صادر کرد.</p> <p>امام خمینی در این اعلامیه به صراحت اعلام کردند که نقشه دستگاه حاکمه نابودی اسلام است و موجودیت و بقای رژیم مرهون از بین بردن اسلام و روحانیت است. در ضمن ایشان خطر امریکا و اسرائیل را برای مسلمین بازگو کرد و روشن ساخت که شعار</p>
--	--

«آزادی زنان» از سوی محمدرضا و رضاشاه پهلوی برنامه‌ای برای به فساد کشاندن آنان

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### روحانیت اسلام امسال عید تدارک

دستگاه حاکمه ایران با احکام مقدسه اسلام تجاوز کرده و با احکام مسلمانه قرآن کلمه تجاوز دارد ،  
نوامیس حسین در شرف هتک است یا دستگاه چاره با تصویب نامه های خلاف شرع در قانون اساسی میخوانند  
ژنرال عقیق را شکنجه و قتل ایران را سرافکننده کند .

دستگاه چاره در نظر دارد تساوی حقوق زن و مرد را تصویب و اجرا کند یعنی احکام تشریحیه اسلام  
قرآن کریم را زیر پا بگذارد یعنی معجزه های هر چه ساخته را به نظام اجباری برده و پسر با خاندانها  
بکشد یعنی با فرسرتیزه دخترهای جوان تحقیر مسلمات را به مرکز تحکیم برده .

هنگام اجانب قرآن و روحانیت است ، دست های ناباک اجانب پادشاه این قبیل دولت ها تصدیر  
قرآن را از میان بردارد ، روحانیت را پای مال کند ، ما باید قطع پیوند آمریکا و فلسطین متک شویم .  
وزارتان پریم ، معلوم گردیم ، فدای اعتراض قوم اجانب شویم .

آنها اسلام و روحانیت را برای اجرای مقاصد خود منحرف میکنند و این بسایند دست دولت های  
مستبد شکسته شود

موجوده دستگاه روح شکستن این بد است قرآن و روحانیت پایه سرکوبی بود ، من این عید  
در برای جامعه مسلمین عزا اعلام میکنم . تا مسلمین را از خطر جانی که برای قرآن و مسکن قرآن  
درهش است آگاه کنم من دستگاه چاره اعلام خطر میکنم ، من بخدا ای تعالی از انقلاب سیاه و انقلاب  
از پانین نگران هشتم ، دستگاهها بسوء تدبیر یا سوء نیت کوئی مقدمات آنها فراهم می کنند ، من چاره  
ند این می بینم که این دولت مستبد بچشم تخلف از احکام اسلام و تجاوز بقانون اساسی کنار بروه  
و دولتی که پای بند با احکام اسلام و علم خوار ملت ایران باشد ، بیاید بارالها من تکلیف فعلی خود را اداء  
کردم « اللهم قلنا وقتی » ، واگر زنده ما تمام تکلیف بعدی خود را بخواست خداوند اداء خواهیم کرد «  
خداوند تبارک آن کریم و نادرین مسلمان را ازش اجانب نجات بده

روح الله الموسوی الخميني

سید محمد هادی میلانی از مشهد و سید کاظم شریعتمداری از قم همگام با امام عید نوروز را  
عزا اعلام کردند. سید محمد بهبهانی، محمدرضا تنکابنی، محمدتقی آملی و شماری دیگر از  
علمای تهران نیز طی اعلامیه‌هایی رویه امام را در زمینه تحریم عید نوروز پیش گرفتند. با

## بسمه تعالی

### اعلامیه علمای تهران

روحانیون اسما عزا دارند

مناسبت تصادف ایام نوروز باقیات رژیم پنهان حضرت امام جعفر صادق (ع) صلوات الله علیه و سلامه و جوارت ناگواریکه باسلام و مسلمین وارد و موجب تأثر شدید گردیده

است جامعه روحانیت عزادار و بعنوان عید جلوس نخواهد داشت

الاحقر محمد رضا الفتاحی - الفید محمد تقی آملی - الاحقر محمد تقی بروجردی - الاحقر  
 طهینی الموسوی باقر طباطبائی قمی - الاحقر سید علی امیر خویی - الاحقر ضیاء الدین العسینی  
 الاسترآبادی - الاحقر حاج سید هادی خسروخانی - احمد مدرس صفائی - الانتم احمد  
 العسینی النوسانی - الفید محمد حسن الطباطبائی البروجردی - الاحقر سید صادق شریعنداری  
 الامام محمد صادق العسینی النوسانی - الفید الفانی - علامه حسین العسینی - سید باقر شهیدی  
 الفعاح سید آقا العسینی - احمد العسینی النوسانی - الاحقر جسی الفعاحی - محمد حسن  
 العسینی الطهرانی - الاحقر علی محمد تنگانی - ابو الفاضل جهاد آبادی - الفی الفعاحی - خلیل  
 آبادی - کمال مرآتوی - عیدالاحقر زاهد - صدر رضا مصطفوی کمرش - الاحقر جعفر  
 الفتکراتی - الاحقر مصطفی مسجد جامع الاحقر عباس مشکوری - محمد حسین خانی کجاسیر  
 مرعشی - سید محمد علی بیض - محمد علویانگوانینی بروجردی - فضل الله الموسوی الفعوا ساری  
 محمود بیضی - فضل الله - صدر الفعاحی - الاحقر حسن فرید کلبا بگانی - الاحقر روحان  
 نبوی کلبا بگانی - الاحقر حسن الموسوی بعلانی - محی الدین ابوری - حاج سید محمد بن  
 واحدی - صدر الدین الفعوا بگانی - الاحقر حسن غفاری - الفعاح سید محمد - موسوی کشوری  
 عیدالاحقر سیدی فسی - سید علی هاشمی کلبا بگانی

وجود تلاش‌های گسترده ساواک به منظور  
 بی‌اثر ساختن اعلامیه امام، ملت ایران از  
 برگزاری مراسم عید رسماً خودداری ورزید.  
 چنانکه در برخی از کتاب‌ها آمده است:

استقبال مردم از تحریم عید و مواضع  
 روحانیون، هیأت حاکمه را بر آن داشت تا  
 با قدرت‌نمایی و ایجاد جو رعب و وحشت  
 مانع از تداوم نهضت شود. در مقابل  
 حضرت امام (ره) مصمم بود بر ضد رژیم  
 مبارزه کند و ضمن افشاگری ماهیت و  
 سیاست‌های ضد مردمی و ضد اسلامی آن،  
 علما و مردم را برای مبارزه بسیج کند.

هم‌زمانی عید نوروز و سالگرد شهادت امام صادق (ع) و همچنین تحریم عید فرصت  
 مناسبی بود تا مردم و روحانیون با بهره‌گیری از اجتماعات درباره مشکلات و وضعیت  
 جاری کشور روشن‌گری کنند.<sup>۱</sup>

ادامه مخالفت‌های امام و همراهی روحانیون و مردم با ایشان باعث شد رژیم دیکتاتوری  
 پهلوی احساس خطر کند و اقدامات خود را علیه مخالفان گسترش دهد.

یکی از عوامل مؤثر حمله به مدرسه فیضیه تیمسار حسن پاکروان<sup>۲</sup> به شمار می‌آید. وی در  
 اسفند سال ۱۳۳۹ به دنبال برکناری سپهبد تیمور بختیار به ریاست ساواک انتخاب شد و تا

۱. جواد منصوری، همان، ص ۵۵۴.

۲. پاکروان از واپسین ماه‌های نخست‌وزیری جعفر شریف امامی و تمامی دوران نخست‌وزیری علی امینی، اسدالله  
 علم و حسنعلی منصور - قریب به چهار سال - رئیس ساواک بود. وی با ترور حسنعلی منصور برکنار گردید و  
 در کابینه امیرعباس هویدا - ۷ بهمن ۱۳۴۲ - وزیر اطلاعات و جهانگردی شد.

سال ۱۳۴۳ در این سمت فعالیت می‌کرد.

پاکروان در تاریخ ۲۸ اسفند ماه ۱۳۴۱ با ارسال دستورالعملی به کلیه ساواک‌ها تصریح کرد از فعالیت‌های سوء مخالفان در تاریخ دوم فروردین ۱۳۴۲ پیشگیری کنند و اقداماتی به منظور مقابله با آنان انجام دهند. با مطالعه اسناد ساواک چنین برداشت می‌شود که مأموریت اصلی نیروهای امنیتی اعزامی از تهران به قم ایجاد اغتشاش و اخلال در مراسم سوگواری منزل امام، مدرسه حجتیه و مدرسه فیضیه بوده است.

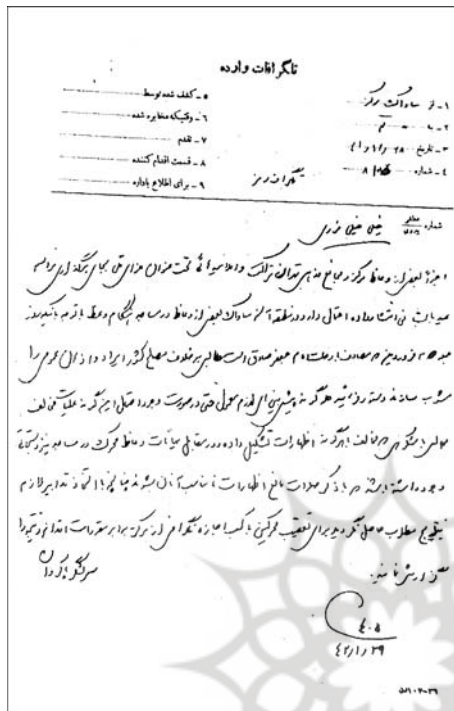
#### ◆ آشوب‌گران در منزل امام

#### خمینی(ره) و مدرسه حجتیه

شهر قم همه ساله پذیرای جمعیت فراوانی زائر از شهرهای مختلف کشور می‌باشد. در فروردین سال ۴۲ نیز جمعیتی از شهرهای مختلف به قم رفتند تا روزهای آغازین سال را در آن شهر سپری کنند.

وقایع و تحولات سال گذشته از جمله برخوردهای شاه و مراجع، رفراندوم، مخالفت‌های مراجع، سفر شاه به قم و اظهارات توهین‌آمیز وی، اعلامیه امام خمینی در خصوص تحریم عید نوروز و اعلام عزای عمومی، باعث افزایش تعداد مسافران آن شهر شده بود.

کماندوهای شاه و مأموران امنیتی زیادی هم با قیافه‌های خاص، بدون داشتن لباس رسمی به قم آمده بودند. قیافه‌های آنان نشان می‌داد که برای شکل دادن به حادثه‌ای به



قم آمده‌اند.<sup>۱</sup>

دژخیمان شاه در دل شب به مدرسه فیضیه رفتند تا آثار حملات جنایت‌بار خود را بزدایند. خون‌ها را شستند و در و پنجره‌های شکسته، عبا و عمامه‌های نیمه سوخته، لباس‌های خونین، چوب‌ها و کتاب‌های پراکنده و نیمه سوخته را جمع‌آوری و در گوشه‌های مدرسه پنهان کردند.

یکی از مجالسی که رژیم قصد ایجاد بلوا و آشوب را در آن داشت؛ مجلس روضه منزل امام خمینی بود. در روز دوم فروردین ۱۳۴۲ (۲۵ شوال ۱۳۸۲) عده کثیری در منزل امام اجتماع کرده بودند. مأموران نیز در پوشش مردم عادی در بین جمعیت حضور داشتند و آماده برهم زدن مجلس و جلوگیری از سخنرانی‌های افشاگرانه بودند.

در خاطرات حجت‌الاسلام معادخواه درباره وقایع آن مجلس چنین آمده است: ... حدود ساعت ۹ صبح بود که به انبوه

جمعیتی پیوستم که در صحن آن خانه کوچک حضور داشتند. در آن لحظه مرحوم سید صادق شمس، در حال مرثیه‌سرایی بود و شعرهایی را برگزیده بود که بیشتر رنگ و بوی حماسی داشت... پس از او نوبت به سید محمد آل طه رسید که پیرامون تقیه و پنهان‌کاری مبارزه در عصر امام صادق(ع) سخن می‌گفت. در این میان یکی از زائران تهرانی از درون اتاقی در ضلع غربی اندرونی شعاری را فریاد زد... بی‌درنگ از بلندگو اعلام شد که از هرگونه شعاری که در آن رنگ و بویی از تعلق به یکی از جریان‌های سیاسی است، بپرهیزند!<sup>۲</sup>

۱. خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، به کوشش محمدرضا احمدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲. عبدالمجید معادخواه، جام شکسته، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲، ۲۵۴.



اخلاک‌گرا که با نقشه قبلی و با قصد آشوب در مجلس حاضر بودند شروع به فرستادن صلوات و برهم زدن نظم مجلس کردند.

مسئول امور بیرونی، فوراً به حضور امام خمینی شتافت و تشنج، ناآرامی و حرکت‌های مرموزانه در مجلس را به آگاهی ایشان رسانید. امام بی‌درنگ به بیرونی آمد و با استقبال گرم و پرشور مردمی که در آنجا ازدحام کرده بودند روبه‌رو شد و در کنار منبر - جایی که تقریباً همه شرکت‌کنندگان در آن مجلس بتوانند ایشان را ببینند - نشست. سخنگوی روحانی که در بالای منبر بود سخنان خود را دنبال کرد و به بازگو کردن توطئه‌ها و نقشه‌های ضداسلامی و غیرملی دولت ایران پرداخت، لیکن بار دیگر صدای صلوات نابجا و مرموزانه، سخنان او را قطع کرد! امام، آقای شیخ صادق خلخالی را که آنجا بود، به حضور طلبید و به او به طور سرگوشی سخن‌هایی گفت. نامبرده فوراً پشت میکروفن قرار گرفت و اعلام داشت: «توجه بفرمایید. حضرت آیت‌الله می‌فرمایند: به افرادی که مأموریت اخلاک‌گری و ایجاد هرج و مرج در این مجلس را دارند، اتمام حجت می‌کنم که اگر بار دیگر، حرکت سوء و ناشایسته‌ای که موجب اخلاص در نظم و آرامش مجلس باشد از خود نشان دهند و خواسته باشند از رسیدن سخنان آقایان خطبا به گوش مردم جلوگیری کنند، فوراً به طرف صحن مطهر حرکت می‌کنم و در کنار مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه (ع) سخنانی را که لازم است به گوش مردم برسد، شخصاً ایراد خواهم کرد.»<sup>۱</sup>

به دنبال برخورد قاطع امام توطئه ساواک خنثی شد و سخنرانان بدون مشکل و دخالت مأموران به بیان جنایت‌ها و خیانت‌های رژیم شاه پرداختند. امام نیز در بیاناتی راجع به شکست نقشه‌های رژیم در زمینه آشوب‌گری در منزلشان چنین می‌گوید:

سازمان امنیتی‌ها و کماندوها... منزل ما هم آمدند منتها من با یک ضربه مقابل نگذاشتم که آن کارهایی که می‌خواهند بکنند. یک اجتماع بود آنجا، اوایل این قضایا بود و اجتماع

۱. سید حمید روحانی، همان، ص ۳۶۶.

بود و بعضی صحبت می‌خواستند بکنند و خود من هم شاید صحبت کردم یا می‌خواستم بکنم. به من گفتند که، دیدم خودم هم که یک صلوات‌های بی‌مورد (فرستاده) شد، من به یکی از رفقا گفتم که برو بگو اگر در اینجا یک شلوغی بکنید، من می‌روم در صحن حضرت معصومه آنجا می‌روم منبر و حرف‌هایم را آنجا می‌زنم. اینها مأمور نبودند یک همچین کاری را که همچو عکس‌العملی دارد بکنند، نمی‌دانستند که باید چه بکنند، ترک کردند.<sup>۱</sup>

مجلس دیگری که اخلال‌گران در پوشش عزاداران امام صادق(ع) عازم آنجا شدند، مجلس سوگواری منعقد در مدرسه حجتیه بود. در آن مجلس نیز در حین سخنرانی واعظ، یکی از مأموران شروع به فرستادن صلوات کرد که با برخورد یکی از پهلوانان قم به نام میری روبه‌رو شد. اخلال‌گران از تدابیر اتخاذ شده از سوی بانیان مجلس غافلگیر شدند از اجرای مأموریت خود صرف نظر کردند.

#### ◆ حمله به مدرسه فیضیه

بعد از ظهر روز دوم فروردین مجلس سوگواری مدرسه فیضیه از سوی آیت‌الله گلپایگانی برگزار شد. عده زیادی از قشرهای مختلف در مجلس مزبور حاضر شدند. اطراف مدرسه و میدان آستانه از مأموران انتظامی موج می‌زد و مدرسه در محاصره آنان قرار داشت.

صبح روز دوم فروردین ماشین‌های شرکت واحد، یکی پس از دیگری وارد قم شد و سرنشینان خود را پیاده کرد. کسی نمی‌دانست که سرنشینان آنچه کسانی هستند و روی چه غرض و انگیزه‌ای راهی قم شده‌اند؟! بسیاری گمان می‌کردند اتوبوس‌ها و سواری‌هایی که در خط تهران - قم کار می‌کند - به علت ازدیاد مسافر - نتوانسته جوابگوی مراجعین و مسافرین باشد و از ماشین‌های شرکت واحد کمک گرفته‌اند! غافل از آنکه سرنشینان آن، شه‌پرستان جلادی هستند که به منظور ریختن خون پاک

مبارزان روحانی راهی قم شده‌اند. به دنبال آمدن ماشین‌های شرکت واحد ناگهان ده‌ها کامیون نظامی که مجهز به پایه‌های مسلسل سنگین بود، مملو از سربازان زره‌پوش و مسلح وارد قم شد و پس از مانور کوتاهی در شهر، به بیرون دروازه بازگشت و در آنجا متوقف شد.<sup>۱</sup>

ساواکی‌ها در لباس کارگر و رعیت به مدرسه آمده بودند.<sup>۲</sup>

شیخ انصاری به منبر رفت و سخنرانی خود را با مطالبی درباره زندگی امام صادق(ع) آغاز کرد. ایشان از حوزه علمیه به عنوان «دانشگاه امام صادق» و «سربازخانه امام زمان» یاد کرد و به نقش حوزه‌ها در حفظ احکام اسلام و استقلال ایران اشاره نمود. مأموران با فرستادن صلوات سخن وی را قطع می‌کردند و مانع آغاز مجدد سخنرانی ایشان می‌شدند.

یکی از روحانیون به نام سید رضا موسوی اردستانی با شناسایی یکی از عاملان اغتشاش قصد ساکت کردند وی را داشت که مورد حمله عده‌ای از آنان واقع شد و با تلاش زیاد خود را از مهلکه بیرون کشید.

آقای انصاری پس از آنکه متوجه شد عده‌ای از آشوب‌گران در اطراف منبرش جمع شدند و

۱. سید حمید روحانی، همان، ص ۳۶۵.

۲. خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۴۷.

قصه بر هم زدن مجلس را دارند سعی کرد با زبان نرم آنان را آرام سازد. مأموران دست از اقدامات خود برداشتند و آقای انصاری مجبور شد سخنرانی خود را به اتمام برساند. پس از پایین آمدن ایشان از منبر یکی از دژخیمان شاه میکروفن را گرفت و فریاد زد: به روح پر فتوح اعلیحضرت رضا شاه کبیر... صدای میکروفن قطع شد و مردم به فرد مذکور اعتراض کردند. سرهنگ مولوی که خود نیز با لباس مبدل، به مدرسه فیضیه آمده بود، با یک جفت دستکش سفید - به عنوان علامت - در زاویه ایوان یکی از حجره‌ها ایستاده بود و عملیات را فرماندهی می‌کرد. او با کشیدن سوتی دژخیمان را گرد آورد و فرمان حمله داد.<sup>۱</sup>

در خاطرات آیت‌الله محمدتقی فلسفی آمده است:

... کماندوها با وسایلی که در اختیار داشتند به طلاب بی‌دفاع حمله می‌کردند. با پنجه بوکس، میله آهنی، زنجیر و حتی شاخه‌های درختان فیضیه که شکسته بودند، طلاب را به سختی مضروب و مجروح می‌نمایند. سپس از صحن فیضیه به درون حجره‌های طلاب می‌روند، کتاب‌ها، لباس‌ها، حتی قرآن‌های آنها را به درون صحن مدرسه می‌ریزند و آتش می‌زنند. بعد به طبقه بالای مدرسه می‌روند. در آنجا به زد و خورد با طلاب مشغول می‌شوند. به طوری که می‌گفتند چند نفر را هم از پشت بام فیضیه به رودخانه‌ای که از کنار فیضیه می‌گذرد، می‌اندازند که از سرنوشت آنها خبری نمی‌شود. در این میان یکی از طلاب جوان به نام سید یونس رودباری، به شهادت می‌رسد و طلاب از شهادت وی با خبر می‌شوند.

آیت‌الله گلپایگانی را به یکی از حجرات طبقه پایین می‌برند و محافظت می‌کنند، چون خطر کشته شدن ایشان جدی بوده است. بعضی از طلاب هم برای نجات خود به پشت‌بام فیضیه می‌روند و گویا خود را به زیر می‌اندازند و دست و پای آنها می‌شکند. به طور خلاصه طلاب مظلوم را چنان می‌زدند که دندان‌ها و دست و پاها و سر و صورت‌های بسیار شکسته و مجروح شده بود. مردم بعضی از طلاب دست و پا شکسته

و صدمه دیده را به بیمارستان‌های قم می‌رسانند و اعضای شکسته آنها را گچ می‌گیرند، اما از طرف شهربانی و ساواک قم و به دستور مستقیم سرهنگ مولوی آنها را از بیمارستان‌ها اخراج می‌کنند! و ناچار در خانه‌های خود یا در اتاق‌های بعضی از مدارس تحت معالجه قرار می‌گیرند. حتی دکترها هم با احتیاط و دور از چشم مأموران به آنها سر می‌زدند. از سرنوشت بسیاری از آنها خبری ندارم.<sup>۱</sup>

امام خمینی از شهادت سید یونس رودباری و هدف اصلی دژخیمان رژیم از حمله به مدرسه فیضیه در یکی از سخنرانی‌هایشان چنین یاد می‌کند:

اینها با بچه‌های شانزده - هفده ساله ما چه کار داشتند؟ سید شانزده - هفده ساله به شاه چه کرده بود؟ به دولت چه کرده بود؟ به دستگاه‌های سفاک چه کرده بود؟ لکن این فکر پیش می‌آید که اینها با اساس مخالف‌اند، با بچه مخالف نیستند. اینها نمی‌خواهند که اساس موجود باشد؛ اینها نمی‌خواهند صغیر و کبیر ما موجود باشد.<sup>۲</sup>

مأموران پس از برهم زدن مجلس به ضرب و شتم طلاب و مردم شرکت‌کننده در مجلس پرداختند. طلاب به مقابله با کماندوها برخاستند. اما نیروهای مسلح که از قبل مدرسه را در محاصره خود داشتند، به کمک کماندوها شتافتند و طلاب و جمع کثیری از مردم بیگناه را به سختی مضروب و مجروح کردند. آنان پس از پایان مأموریت به صف ایستاده و شعار «جاوید شاه» - که شعار سربازان گارد بود - سر دادند.

سپهبد مبصر معاون رئیس شهربانی آن زمان در خاطرات خود درباره شکل‌گیری حادثه و اقدامات مأموران نوشته است:

... در روزهای آخر سال ۱۳۴۱ به سازمان‌های اطلاعاتی اطلاع رسید که طلبه‌های قم با صدور اعلامیه‌ای از مسلمان‌ها خواسته‌اند تا روز دوم فروردین ۴۲ در مدرسه فیضیه گرد هم آیند و در تظاهرات مخالفت با اصلاحات دولت شرکت کنند، در برابر این تصمیم

۱. خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، به کوشش علی دوانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص

۲۶۹، ۲۷۰.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۴۳.

و برای مقابله و جلوگیری از آن کمیسیون‌هایی تشکیل و مسأله را زیر بررسی قرار دادند و سرانجام طرح بسیار نابخردانه و می‌شود گفت کودکانه‌ای را که اصلاً به صلاح مملکت نبود به تصویب رساندند. تصمیمی که به وسیله مسئولان امنیتی و نظامی کشور گرفته شد این بود که عده‌ای از سربازان گارد با لباس غیر نظامی در روزی که قرار بود در مدرسه فیضیه تظاهرات برپا شود به آنجا ریختند و با طلبه‌های تحریک شده درگیر شدند و با آنها کتک‌کاری کردند و می‌گویند دو یا سه نفر هم از طلبه‌ها کشته شده‌اند. به هر رو پس از انجام گرفتن مأموریت، سربازهایی که لباس غیر نظامی پوشیده بودند اما فراموش کرده بودند کفش‌های خود را عوض کنند و همگی پوتین‌های به شکل سربازی به پا داشتند به صف ایستادند و شعار «جاوید شاه» سر دادند و با این کار ناشیانه و حرکت بچه‌گانه ثابت کردند که یورش‌آوردگان به مدرسه فیضیه سرباز و آن هم سرباز گارد شاهنشاهی بودند و با این ترتیب روحانیت را یکپارچه برانگیخته و وادار کردند که واکنشی از خود بر ضد شاه نشان دهند.<sup>۱</sup>

آیت‌الله گرامی نیز در خاطرات خود درباره اعمال وحشیانه عمال رژیم چنین می‌نویسد:

آن روز خیلی هتک کردند، قرآن‌ها را سوزاندند، عمامه‌ها را سوزاندند. بعداً بسیاری از کسانی را که زخمی شده بودند به بیمارستان بردند. ظاهراً آن روز تیراندازی نشد. پس از حمله دژخیمان رژیم به مدرسه فیضیه، گروهی از ارادل و اوپاش قم به همراه گروهی از کماندوها - که ظاهراً از تهران آمده بودند - مجدداً به مدرسه فیضیه حمله کردند و عده‌ای را با چوب و چماق زدند و تهدید کردند، ولی زد و خورد مفصل نشد. مردم آثار جرم مثل عمامه‌های سوخته شده و خونی، قرآن‌های پاره پاره شده را دیدند.<sup>۲</sup>

شهید محلاتی درباره انگیزه مأموران از حمله مجدد به مدرسه فیضیه می‌گوید:

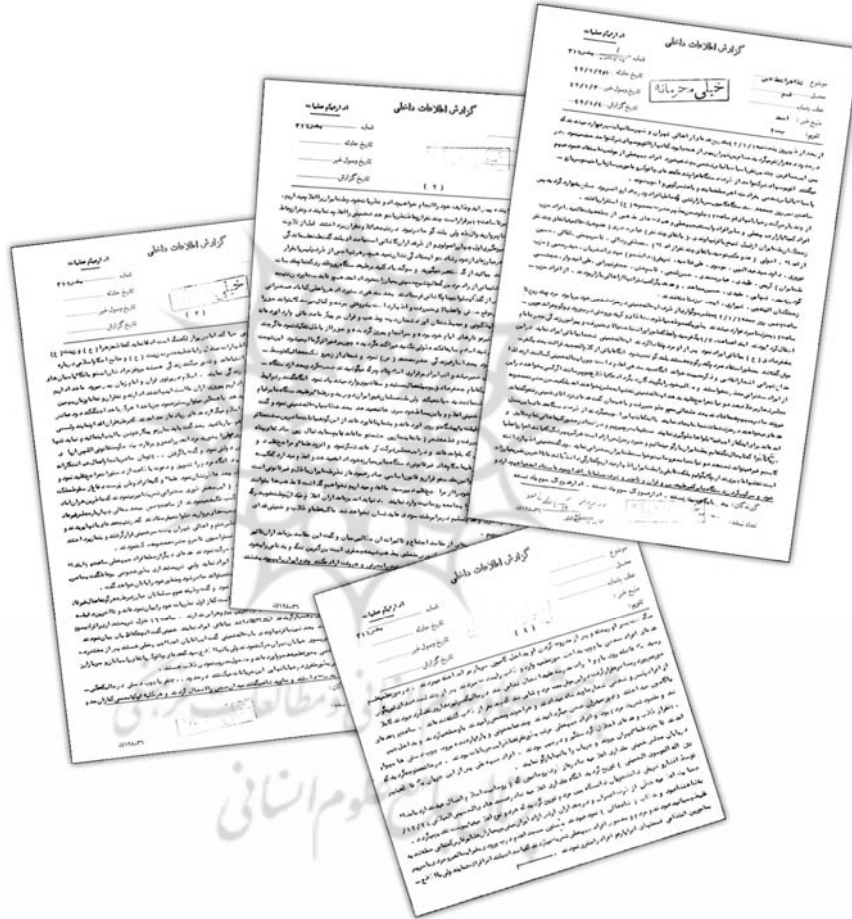
اگر در نخستین یورش، انگیزه اصلی مهاجمان، اطاعت‌ت‌ز فرمانده عملیات بود، در

۱. جواد منصوری، همان، ص ۵۵۶، ۵۵۷.

۲. خاطرات آیت‌الله محمدعلی گرامی، به کوشش محمدرضا احمدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص

## یورش دوم، سخن از مهاجمانی زخم‌خورده و سرشکسته است که چون گرگ‌های تیرخورده‌ای بودند که انگیزه انتقام نیز داشتند!

درگیری بین مأموران و حاضران در مدرسه فیضیه تا ساعت ۷ بعد از ظهر آن روز ادامه داشت و در پایان مأموران لباس‌ها، کتاب‌ها و بسیاری از لوازم طلاب را در صحن مدرسه به آتش کشیدند.



۱. عبدالمجید معادیخواه، همان، ص ۲۶۲.

### ◆ حادثه‌ای مشابه در مدرسه طالبیه تبریز

هم‌زمان با واقعه مدرسه فیضیه، مدرسه طالبیه نیز مورد هجوم وحشیانه مأموران رژیم قرار گرفت. در آن روز عده‌ای از مأموران شهربانی و ساواک تبریز به منظور پاره کردن اعلامیه امام خمینی که در مدرسه طالبیه نصب شده بود، به آنجا رفته بودند که با اعتراض جمعی از طلاب مدرسه روبه‌رو شدند و به درگیری میان آنان منجر شد. بر اثر اصابت سنگ پرتاب شده از سوی طلاب به سوی مأموران، یکی از آنان کشته شد و مأموران مجبور به فرار شدند.

این برخورد قهرمانانه چند روحانی بی‌سلاح مدرسه طالبیه، در برابر مشت‌های دژخیم مسلح و مجهز، باعث تقویت روحی مردم و جامعه روحانیت تبریز و وحشت بیش از حد رژیم و باند مزدور او شد و آنان را به درندگی و اعمال تلافی‌جویانه وا داشت. یکباره صدها کماندو، چترباز، درجه‌دار و... با اسلحه گرم و سرد به مدرسه مزبور ریختند و روحانیون مدرسه را هدف گلوله قرار دادند، با چاقو و دشنه سینه شکافتند! و پهلو دریدند، درب و پنجره حجره‌ها را در هم شکستند و هر چه در سر راه خود دیدند، خرد کردند و یا با خود بردند و آن مرکز علمی را همانند مدرسه فیضیه به حمام خون بدل کردند.<sup>۱</sup>

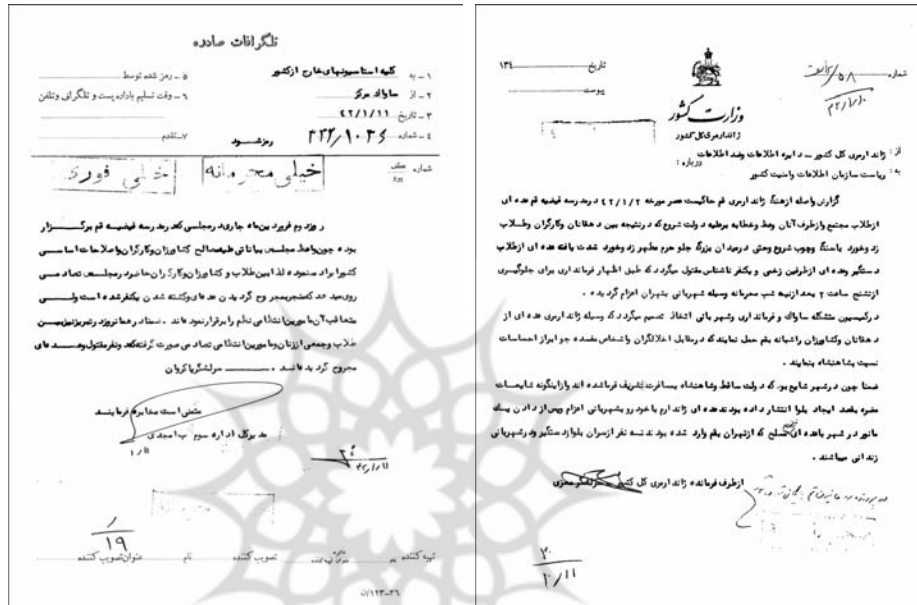
علی‌رغم آنکه وقایع فیضیه و طالبیه به طور مستقیم تحت نظر و با اطلاع کامل رژیم شاه صورت گرفت، رژیم تلاش‌هایی برای انکار دخالت خود در آن وقایع داشت.

پس از حمله به مدارس فیضیه و طالبیه، رژیم شاه کوشید تا دست خود را در آن واقعه پنهان کند؛ لذا اعلام داشت که درگیری قم به واسطه نزاع میان گروهی از دهقانان موافق اصلاحات ارضی و گروهی از روحانیون مخالف اصلاحات روی داده که به فوت یکی از دهقانان منجر شده است! همچنین واقعه مدرسه طالبیه را به دلیل مخالفت گروهی از



طلاب با حق رأی به زنان دانست!<sup>۱</sup>

روزنامه اطلاعات در تاریخ ۶ فروردین ۱۳۴۲ راجع به اقدامات جنایت‌باری که از سوی رژیم در مدارس مذکور روی داد چنین نوشت:



طی زد و خوردهای قم و تبریز سه نفر کشته و عده‌ای مجروح شدند. گزارش رسیده از تبریز حاکی است که در اولین روز سال نو عده‌ای از طلاب علوم دینی اعلامیه‌هایی را که علیه بانوان و حق رأی آنها صادر شده بود به دیوار بعضی از معابر و خیابان‌ها نصب کردند. این جریان باعث ناراحتی روشنفکران و بانوان شد و روز بعد عده‌ای علیه اعلامیه مزبور اعتراضات و تظاهراتی نمودند. این عده قصد داشتند اعلامیه ذکر شده را از دیوار کنند، پاره نمایند. این امر باعث شد که بین عده‌ای از طلاب و مخالفین

۱. محمدحسن رجبی، همان، ص ۲۵۲.

اعلامیه‌ها مشاجره و زد و خورد درگیرد. دامنه نزاع توسعه یافت و مأموران پلیس ناچار به مداخله شدند و برای متفرق نمودن زد و خوردکنندگان، تیراندازی هوایی شد. این گزارش حاکی است که در این حوادث، دو نفر از عابریین کشته شدند و عده‌ای نیز مجروح گردیدند. در این حادثه چهار نفر از مأموران انتظامی نیز زخمی شده‌اند که فعلاً بستری می‌باشند.<sup>۱</sup>

### ◆ امام خمینی و حادثه فیضیه

به دنبال انتشار خبر جنایات دژخیمان رژیم در مدرسه فیضیه، امام خمینی تصمیم گرفت به سوی مدرسه حرکت کند. روحانیون و مردم حاضر در منزل ایشان از ترس آسیب رساندن مأموران با خواهش و سوگند از خروجشان جلوگیری کردند. عده‌ای نیز به دنبال انتشار شایعه حمله اشغال‌گران فیضیه به منزل امام در منزل را بستند. این اقدام موجب ناراحتی امام شد و با عصبانیت گفتند:

چرا در را بسته‌اید؟ به اجازه کی در را بسته‌اید؟ در را باز کنید.<sup>۲</sup>

سپس با ایراد سخنرانی در آن شرایط وحشت‌زا ضمن افشای جنایات رژیم به مردم اعتماد به نفس دادند و فرمودند:

... ناراحت و نگران نشوید، مضطرب نگردید. ترس و هراس را از خود دور کنید. شما پیرو پیشوایانی هستید که در برابر مصائب و فجایعی صبر و استقامت کردند که آنچه امروز می‌بینیم نسبت به آن چیزی نیست. پیشوایان بزرگ ما حوادثی چون روز عاشورا و شب یازدهم محرم را پشت سر گذاشته‌اند و در راه دین خدا یک چنان مصائبی را تحمل کرده‌اند. شما امروز چه می‌گویید؟ از چه می‌ترسید؟ برای چه مضطربید؟ عیب است برای کسانی که ادعای پیروی از حضرت امیر(ع) و امام حسین(ع)

۱. سید حمید روحانی، همان، ص ۳۷۹.

۲. همان، ص ۳۸۳.

را دارند در برابر این نوع اعمال رسوا و فضاحت‌آمیز دستگاه حاکمه خود را ببازند. دستگاه حاکمه با ارتکاب این جنایت، خود را رسوا و مفتضح ساخت و ماهیت چنگیزی خود را به خوبی نشان داد. دستگاه جبار با دست زدن به این فاجعه، شکست و نابودی خود را حتمی ساخت. ما پیروز شدیم. ما از خدا می‌خواستیم که این دستگاه ماهیت خود را بروز دهد و خود را رسوا کند. بزرگان اسلام، در راه حفظ اسلام و احکام و قرآن کریم کشته شدند، زندان رفتند، فداکاری‌ها کردند تا توانستند اسلام را تا به امروز حفظ کنند و به دست ما برسانند. امروز وظیفه ماست در برابر خطراتی که متوجه اسلام و مسلمین می‌باشد برای تحمل هرگونه نامالیقات آماده باشیم تا بتوانیم دست خائنین به اسلام را قطع نماییم و جلو اغراض و مطامع آنها را بگیریم.<sup>۱</sup>

شهید محلاتی درباره واقعه فیضیه و عکس‌العمل امام پیرامون آن چنین می‌گوید:

آقای انصاری از طرف آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی به منبر رفتند، ساواکی‌ها شروع کردند به تکبیر گفتن و صلوات فرستادن و بعد شاخه‌های درخت‌ها را شکستند و با چماق به جان طلاب افتادند شروع کردند به زدن آنها و آنها را از بالکن پایین انداختند و عده‌ای را مجروح و شهید کردند. در آن زمان ما در تهران بودیم، وقتی که همان شب یا فرداشب به قم رفتیم دیدیم که عده‌ای از دوستداران امام آمده‌اند ایشان را یک جایی مخفی کنند. امام فرمودند: «همه‌تان بروید بیرون، من از جایم تکان نمی‌خورم.» و همان جا ثابت ماندند و یک نقطه اتکایی شدند برای بقیه.<sup>۲</sup>

آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی نیز در خاطرات خود از استقامت امام در برابر وقایعی چون واقعه فیضیه چنین یاد می‌کند:

حضرت امام همیشه از حوادث و تحولات برای پیشبرد اهداف نهضت حداکثر استفاده را می‌کرد. او هیچ‌گاه تحت‌الشعاع حادثه‌ای قرار نمی‌گرفت و حادثه، هر چقدر هم خشن، سهمگین و تأثرآور بود، نه تنها نمی‌توانست امام را تحت تأثیر قرار بدهد؛ بلکه این امام

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۶۶.

۲. خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، همان، ص ۴۷.

بود که از آن حادثه بهره‌برداری می‌کرد... لذا در جریان حادثه فیضیه که رعب و وحشت،  
قم و بلکه سراسر ایران را کم و بیش فرا گرفته بود، امام یأس و ناامیدی را از دل‌ها  
زدود و شور و نشاط را به دل‌های مأیوس بازگرداند.<sup>۱</sup>



دیدار امام از مدرسه فیضیه (پس از هجوم کماندوهای شاه - ۴۲/۲/۲۵)

#### ◆ پیامدهای حادثه فیضیه

انگیزه‌های شاه از حمله به مدارس فیضیه و طالبیه ایجاد رعب، وحشت و اختناق در جامعه  
روحانیت و مسلمانان و آماده‌سازی زمینه محو و مسخ اسلام و علمای وارسته و متعهد  
جامعه روحانیت بود تا بدین وسیله عوامل جلوگیری از پیشرفت توطئه‌های ارتجاعی و  
استعماری خود را از پیش رو بردارد.

دژخیمان شاه در دل شب به مدرسه فیضیه رفتند تا آثار حملات جنایت‌بار خود را بزدایند.

۱. خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، همان، ص ۱۸۱.

خون‌ها را شستند و در و پنجره‌های شکسته، عبا و عمامه‌های نیمه سوخته، لباس‌های خونین، چوب‌ها و کتاب‌های پراکنده و نیمه سوخته را جمع‌آوری و در گوشه‌های مدرسه پنهان کردند.

برخی طلاب و روحانیونی که از مدرسه دارالشفاء (مجاور فیضیه) ناظر اعمال مزورانه مأموران ساواک بودند، به محض خارج شدن آنان از مدرسه، فوراً به آنجا رفتند و تمام آثار جنایات را که مأموران در دخمه‌ها و سوراخ‌های گوشه و کنار مدرسه جا داده بودند، بیرون آوردند و در جای اولش گذاشتند و مدرسه را تقریباً به صورت اول درآورده، بار دیگر آثار جنایات شاه را در برابر دیدگان عموم ملت نمایان ساختند. آنگاه به نوشتن شعارهای انقلابی پرداخته، تمام دیوارهای مدرسه را با شعارهای شورانگیز و حماسی زینت دادند.<sup>۱</sup>

شاه به منظور پاک کردن جنایت ننگین خود فرمان بیرون انداختن مجروحان فاجعه را از بیمارستان‌ها صادر کرد. به دنبال این اقدام مردم غیور قم مجروحان را به منازل خود بردند و تحت درمان قرار دادند. خانه‌های برخی از اهالی تبدیل به درمانگاه‌های کوچک شده بود و آنان با عواطفی شگفت‌انگیز کمر به خدمت به مجروحان فیضیه بسته بودند. امام درباره علت بیرون انداختن مجروحان واقعه از بیمارستان‌ها می‌فرماید:

بسمه تعالی  
 اظهار تأثر جامعه روحانیت طهران نسبت بفاجعه دلخراش شهرستان مذهبی قم حازه مولده وواقعه فجیعها را که در روز شهادت رئیس مذهب حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام و السالو در حرم اهل بیت صحت و طهارت اتفاق افتاده و حرم مقدس اسلام و روحانیت بجرح و شرب سدحا تن از مردم بی پناه و طالب بی گناه و علماء فالینام و غارت حجرات و سوزاندن کتب مقدس متکثر گردید و ملت مسلمانرا غزا وار ساخته است به پیشگاه مقدس حضرت پیغمبر ﷺ الاعظم ولی عصر ارواحا فداه تسکت عرض مینمائیم .  
 یا ای المسکوری یاتین زایم خاتم مملکت از اینهمه تجاوز و بی حرمتی نسبت بحرم دین و روحانیت تفرق در اندوه و تأثر است .  
 مردم مسلمان مأمورین مسلح خونخوار در سایه حمایت حکومت جایزه از روز شهادت امام جعفر ساری علیه السلام در کنار قبر مطهر حضرت معصومه علیها السلام نسبت بروحانین شما دست یا اعمال جنایت باری زوداند که سیامان چنگیز و مغولرا وود سفید ساخته اند .  
 فرادمان ایغالی در بر آورده گان هزاران تن مردمیکه برای غزا اجتماع کرده بودند مأمورین مسلح عدم بسیاری از طبقات عالیستاد و طلابی گناه را در حالیکه اشتغال بمزاداری رئیس مذهب داشته اند فقط برای اینکه ایشان حامیان دین و تفکر بران امام زمان هستند مجروح و حجرات آنا را غارت و مدرسه را خراب و سدحا غر را مشروب و مجوس ساخته اند .  
 حوزه روحانیت طهران برای همدردی با حوزه مقدسه علمیه قم و ایزان تفر از این غفلت و حیثانه از تاریخ شب چهارشنبه اول ماه ذی القعدة تا شب یوشبه ششم ذی القعدة از امامه جماعت در مساجد خوداری نموده و امید دارند با تأییدات خداوند متعال و کفایت مردم مسلمان این حوادث ناخوار جبران گردد .  
 جامعه روحانیت تهران  
 ۱۱  
 با برکت

... مراکز علم را کوبانند بر حسب توهم خودشان؛ بچه‌های ما را، عزیزهای ما را زدند، سربازهایشان را شکستند، پاهایشان را شکستند، بعضی‌شان را کشتند، از پشت بام انداختند. اگر اینها دهقان بودند پس چرا این دستگاه انتظامی کمکشان می‌کرد؟ اینکه

۱. سید حمید روحانی، همان، ص ۳۹۳.

دیگر مخفی نبود، این را صد هزار جمعیت از توی خیابان‌ها و از توی صحن و از توی مدرسه، خوب می‌دیدند که دستگاه شهربانی دارد کمک مستقیم می‌کند؛ این دهقان‌ها را کمک می‌کرد بر ضد اسلام، پس چرا وقتی که مرضای ما را بردند در مریضخانه‌ها، شهربانی و (ساواک) فرستادند گفتند: دشمن‌های اعلیحضرت را می‌برید مریضخانه؟ پدرتان را در می‌آوریم، اینها باید بروند. اگر دهقان‌ها بودند، به اعلیحضرت چه کار دارد؟<sup>۱</sup>

جامعه روحانیت با صدور اعلامیه‌ای ضمن اشاره به واقعه مدرسه فیضیه از اقدامات وحشیانه رژیم در زمینه بیرون انداختن مجروحان از بیمارستان‌ها نیز یاد می‌کند. اعلامیه‌های دیگری نیز از سوی قشرهای مختلف مردم در اعتراض به اقدامات رژیم صادر شد و در آنها اعمال جنایت‌بار و غیر انسانی مأموران افشا شد.

### اعمال وحشیانه یزیدی تکرار میشوند

دو مراسم عزای رئیس مذهب جعفری حضرت صادق(ع) که روز جمعه دوم فروردین ۴۲ از طرف مراجع تقلید قم در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه ع برگزار میشد. عده‌ای از مأمورین مسلح دولتی بمدرسه فیضیه ریخته پس از شعارهای ضداسلامی و فحاشی نسبت بروحانین دست باعمال وحشیانه چنگیزی زده تمام دروینجره حجرات را شکسته و همه طلاب را بسختی مجروح و گروهبیرا از بالای بام‌پارتاب و عده‌ای را شهید نمودند و هنوز وحشیگری ادامه دارد

ملت مسلمان ایران این فاجعه را به محضر مقدس امام‌زمان و مراجع و علمای اسلام تسلیم عرض نموده و انتقام مسببین را عاجلاً از درگاه قادر تعالی خواهان است

۱۶  
۳۱  
۳۱









مأمورانی که برای ممانعت از باز شدن مغازه‌ها در بازار گمارده شده بودند، حمله‌ور شدند!<sup>۱</sup>

مأموران بازار را ترک نمودند و بازاریان مغازه‌های خود را باز کردند. این نخستین باری بود که مردم با شعاری به نام امام خمینی به تظاهرات خیابانی دست زدند.



امام با فتوای تاریخی «تقیه حرام و اظهار حقایق واجب، و لو بلغ ما بلغ» که در اعلامیه خود آورد از توطئه عوامل ارتجاع پیشگیری نموده و موضع روحانیون را در برابر شاه و حامیانش مشخص کرد.

در خاطرات آقای فلسفی درباره اقدامات حکومت پهلوی در مقابل اعتصابات و اعتراضات مردم آمده است: عمق فاجعه فیضیه تا آنجا بود که تا در منبرها یا مجالس نام فیضیه برده می‌شد، صدای شیون و گریه مستمعین و حضار بلند می‌شد. مردم، عزادار فیضیه شدند. بازارها را بستند و به سوگ و عزا نشستند.

دولت هم با نهایت وقاحت در بسته مغازه‌ها را با گچ و آجر تیغه کرد. در بازار که می‌رفتی، تعداد زیادی مغازه را می‌دیدي که بسته‌اند یا با آجر تیغه کرده‌اند؛ مخصوصاً هر جا که صاحبان مغازه، مردمان نافذالکلمه و بیشتر علاقه‌مند به روحانیت بودند، مغازه‌ها را کلا تیغه کرده بودند. بعد از مدتی که گذشت، قرار شد که بازار باز شود، ولی ساواک به صاحبان مغازه‌ها اجازه نمی‌داد که مغازه‌ها را باز کنند.<sup>۲</sup>

امام نیز طی اعلامیه‌ای از تمامی اعتصاب‌کنندگان تشکر نمود و اقدامات مردم را نشانه انزجار و تنفر عموم ملت از دستگاه حاکمه دانست. ایشان در این اعلامیه نیز به افشای توطئه‌های ضد اسلامی رژیم پرداخت.

۱. سید حمید روحانی، همان، ۴۰۹، ۴۱۰.

۲. خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، همان، ص ۲۷۰، ۲۷۱.

علما و مراجع عراق و بسیاری از شهرهای کشور با ارسال تلگرام‌هایی برای مراجع قم به ویژه امام خمینی حمله به فیضیه را محکوم و رژیم را مسئول مستقیم و اصلی آن دانستند.

حمله عمال رژیم به مدارس فیضیه و طالبیه در روز وفات امام صادق (ع) موجی از خشم و انزجار نسبت به رژیم در میان مردم پدید آورد. با فاصله اندکی از آن وقایع، نقاط مختلف تهران و بسیاری دیگر از شهرها شاهد برگزاری مراسم یادبود و برپایی تظاهرات بود.

آیت‌الله سید محسن حکیم طی تلگرام‌هایی جداگانه به ۳۲ تن از مراجع و علمای ایران، ضمن ابراز تأثر از واقعه مدرسه فیضیه از آنان خواست تا به طور دسته‌جمعی به عتبات عالیات مهاجرت کنند و از آن طریق رژیم را تحت فشار قرار دهند. شاه پیش از رسیدن تلگراف آیت‌الله حکیم به امام خمینی و سایر علمای قم، اقدام به اعزام سربازان و کماندوها به آن شهر نمود تا ترس و خفقان به وجود آورد، سپس سرهنگ

پرتو (رئیس شهربانی قم) و سرهنگ بدیعی (رئیس ساواک آن شهر) را مأمور ساخت تا به همراه فرماندار قم به منزل امام روند و پیام وی را به ایشان ابلاغ کنند. پس از آنکه امام از پذیرفتن آنان خودداری ورزید، به منزل آقای شریعتمداری رفتند و التیماتوم فاشیستی شاه را بدین شرح به او ابلاغ کردند:

تلگرافی از آیت‌الله حکیم به دست شما می‌رسد که شما را دعوت به خارج شدن از ایران و رفتن به نجف کرده است، اگر بخواهید بروید، دولت وسایل رفتن شما را فراهم می‌کند؛ ولی اگر بخواهید روی تلگرام آن سر و صدایی راه بیندازید، کماندوها و زنان هرجایی را به خانه‌های شما می‌ریزیم، شما را می‌کشیم، نوامیستان را هتک می‌کنیم و خانه‌هایتان را غارت می‌نماییم. این پیغام همایونی جدی است و جنبه صرفاً تهدید

ندارد.<sup>۱</sup>

نمایندگان اعزامی از شریعتمداری خواستند پیام مذکور را به اطلاع امام برسانند. فردای آن روز تلگرام آیت‌الله حکیم به مقامات روحانی قم رسید. متن تلگرام ایشان بدین شرح می‌باشد:

حوادث مؤلمه پی در پی و فجایع محزنه به ساحت علمای اعلام و روحانیت قم، قلب عموم مسلمین را جریحه‌دار و موجب تأثر شدید اینجانب گردیده است (و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون) امید است حضرات علما دسته‌جمعی به عتبات عالیات مهاجرت بنمایند تا بتوانم رأی خود را نسبت به دولت صادر بنمایم.



اما امام، آیت‌الله گلپایگانی و شریعتمداری با ارسال تلگرام‌هایی برای ایشان مهاجرت را در آن شرایط به مصلحت ندانستند و این اقدام را عامل نابودی حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌ها و از بین رفتن استقلال کشور دانستند.

نجف، حضرت آیت‌الله حکیم - دامت برکاته و علت کلمه تکراف محترم در تسلیت فاجعه عظمی موجب تشکر گردید. امید است با وحدت کلمه علمای اعلام اسلام و مراجع وقت -

کثرالله امثالهم - حفظ استقلال مملکت و قطع دست اجانب را نموده، از حریم اسلام و قرآن کریم دفاع کرده، نگذاریم دست خیانت به احکام مسلمة اسلام دراز شود. ما می‌دانیم با هجرت مراجع و علمای اعلام - اعلی‌الله کلمتهم - مرکز بزرگ تشیع در پرتگاه هلاکت افتاده و به دامن کفر و زندقه کشیده خواهد شد و برادران ایمانی عزیز ما در

۱. سید حمید روحانی، همان، ص ۱۸.

شکنجه و عذاب الیم واقع خواهند شد. ما می‌دانیم با این هجرت، تغییرات و تحولات عظیمی روی خواهد داد که ما از آن بیمناکیم. ما عجلالتا در این آتش سوزان به سر برده و با خطرهای جانی صبر نموده، از حقوق اسلام و مسلمین و از حریم قرآن و استقلال مملکت اسلامی دفاع می‌کنیم و تا سر حد امکان، مراکز روحانیت را حفظ نموده، امر به آرامش می‌نماییم، مگر آنکه دستگاه جبار راهی را بخواهد طی کند که ما را ناگزیر به مطالبی کند که به خدای تبارک و تعالی از آن پناه می‌بریم. اینجانب دست اخلاص خود را به سوی جمیع مسلمین، خصوصا علمای اعلام و مراجع عظام - اطال الله بقائهم - دراز کرده و از عموم طبقات برای صیانت احکام اسلام و استقلال ممالک اسلامی استمداد می‌کنم و اطمینان دارم با وحدت کلمه مسلمین سیما علمای اعلام، صفوف اجانب و مخالفین در هم شکسته و هیچ‌گاه به فکر تجاوز به ممالک اسلامی نخواهند افتاد. ما تکلیف الهی خود را انشاءالله ادا خواهیم کرد و به احدی‌الحسنین نائل خواهیم شد. یا قطع دست خائنین از حریم اسلام و قرآن کریم و یا جوار رحمت حق جل و علا؛ انی لا

اری الموت الا سعادة و الحیوه مع

الظالمین الا برما. اینک دستگاه جبار

برای اطفای نور حق به هر وسیله در

کوشش است. و الله متم نوره و لو کره

الکافرون.

روح‌الله الموسوی الخمینی<sup>۱</sup>

اعلامیه‌های کوبنده و تاریخی امام خمینی،

همراهی مردم با ایشان، اعتصابات عمومی و

هماهنگ و ادامه رویه امام در مخالفت با

رژیم، هیأت حاکمه را به تکاپوی بیشتر و

متن تلکراف حضرت آیه‌العلی‌آقای خمینی ادامه‌الله‌غله‌المالی  
۱۷ دی‌القدس ۸۳/۳۲ ۴۲/۱/۳۲ علی رؤس المسلمین

نجف حضرت آیه‌الله حکیم دامت برکاته وعلت کلمه

تلکراف محترم در تسلیت فاجعه عظمی موجب تشکر گردیده امیداست با وحدت کلمه علماء اعلام اسلام و مراجع وقت کثیر الله امثالهم حفظ استقلال مملکت و قطع دست اجانب را نموده از حریم اسلام و قرآن کریم دفاع کرده نگذاریم دست خیانته باحکام مسلمة اسلام دراز شود. ما میدانیم با هجرت مراجع و علماء اعلام اعلی‌الله کلمتهم کز بزرگ تبعیخ دربرنگاه. هلاک - افتاره و بدامن کفر و زندقه کشیده خواهند شد؛ و برادران ایمانی عزیز ما در شکنجه و عقاب الهی واقع خواهند شد. ما میدانیم با این هجرت تغییرات و تحولات عظیمی روی خواهد داد که ما از آن بیمناکیم. ما عجلالتا در این آتش سوزان بسر برده و بسا خطرهای جانی بسر نموده از حقوق اسلام و مسلمین و از حریم قرآن و استقلال مملکت دفاع میکنیم

و تا سرحد امکان مراکز روحانیت را حفظ نموده امر بآرامش و سکوت مینمایم مگر آنکه دستگاه جبار راهی را بخواهد طی کند که ما را ناگزیر به مطالبی کند که بخدای تبارک و تعالی از آن پناه می‌بریم. اینجانب دست اخلاص خود را به سوی جمیع مسلمین خصوصا علماء اعلام و مراجع عظام اطال الله بقائهم دراز کرده و از عموم طبقات برای صیانت احکام اسلام و استقلال ممالک اسلامی استمداد میکنم و اطمینان دارم با وحدت کلمه مسلمین سیما علماء اعلام صفوف اجانب و مخالفین در هم شکسته و هیچ‌گاه بیکر تجاوز بیهالک اسلامی نخواهند افتاد تکلیف الهی خود را انشاءالله ادا خواهیم کرد و با احدی‌الحسنین نائل خواهیم شد. یا قطع دست خائنین از حریم اسلام و قرآن کریم، و یا جوار رحمت حق جل و علا. انی لا اری الموت الا سعادة ولا الحیوه مع الظالمین الا بر ما. اینک دستگاه جبار برای اطفای نور حق به هر وسیله در کوشش است و الله متم نوره و لو کره الکافرون.

روح‌الله الموسوی‌الخمینی  
چون همت حاکمه ایران تلکرافات علماء اعلام را به قصد تیرسانند لذا اقدام بطبع میشود تا ممال اسلامی از خفاتی که در ایران حکومت میکند آگاه باشد.

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۸۲.

حرکات وحشیانه‌تری وا می‌داشت. یکی از این اقدامات اعزام روحانیون به خدمت سربازی بود.

### ◆ اعزام روحانیون به سربازی؛ آخرین حربه رژیم

شاه همواره با زمزمه به سربازی بردن طلاب مانع ادامه اعتراضات روحانیون در دوره‌های مختلف می‌شد. وی که دیگر حربه‌ای برای ساکت کردن امام نداشت بار دیگر این موضوع را مطرح کرد.

آیت‌الله سید محسن حکیم طی تلگرام‌هایی جداگانه به ۳۲ تن از مراجع و علمای ایران، ضمن ابراز تأثر از واقعه مدرسه فیضیه از آنان خواست تا به طور دسته جمعی به عتبات عالیات مهاجرت کنند و از آن طریق رژیم را تحت فشار قرار دهند.

ساواک قم در گزارشی به ساواک تهران در تاریخ ۱۳۴۱/۱۲/۱۵ آورده است:

... طبق دستور مرکز به شهربانی قم دستور داده شد که صورت اسامی طلاب مشمول را تهیه و به مرکز ارسال نمایند. شهربانی قم هم صورت افراد مزبور را از مدرسه‌های حوزه علمیه خواستار شده، به همین جهت روز ۴۱/۱۲/۱۳ آیت‌الله خمینی در مجلس درس خود اظهار داشته:

«سپاه دانش خوب است و اگر از من هم بخواهند به سربازی بروم استقبال می‌کنم و مردم را در آنجا نیز ارشاد و راهنمایی می‌کنم. از این محدودیت‌ها نبایستی ترسید. دشمنان حضرت امام حسین - علیه‌السلام - هر چه بیشتر می‌شد، شهادت و پایداری آن حضرت نیز زیاده‌تر می‌شد...»<sup>۱</sup>

رئیس اداره وظیفه عمومی به نام دریابان زند در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۴۲ طی بخشنامه‌ای

۱. سید حمید روحانی، همان، ص ۴۲۳.

کارت معافیت طلاب (صادر از سوی وزارت فرهنگ) را نادیده گرفت و دستور داد کارت معافیت طلاب را مورد تجدید نظر قرار دهند و کلیه روحانیون به جز فارغ‌التحصیلانی که به درجه اجتهاد و فتوی رسیده‌اند به سربازی اعزام شوند.

مأموران رژیم اقدام به دستگیری روحانیون جوان کردند و آنان را به حوزه‌های سربازگیری اعزام نمودند. به دنبال این اقدام امام پیامی برای روحانیون دستگیر شده فرستاد.

نگران نباشید، تزلزل به خود راه ندهید و با کمال رشادت و سربلندی و روحی قوی بایستید. شما هر کجا که باشید سربازان امام زمان (عج) می‌باشید و باید به وظیفه سربازی خود عمل نمایید. رسالت سنگینی که اکنون به عهده دارید، روشن ساختن و آگاه کردن سربازان و درجه‌دارانی است که با آنان سر و کار دارید، که لازم است از انجام این رسالت مقدس اسلامی غفلت نورزید، تعلیمات نظامی را با کمال جدیت و پشتکار دنبال کنید، هم از نظر روحی و هم از نظر جسمی خود را قوی سازید. مبدا یک وقت خدای نخواستہ ضعف و تزلزلی از شما بروز کند که موجب سرشکستگی روحانیت می‌شود و برای شما عواقب ناگواری همراه خواهد داشت.<sup>۱</sup>

روحانیون نیز به رهنمودهای امام عمل کردند و در سربازخانه‌ها در هر فرصتی به روشنگری و تبلیغ انقلابی می‌پرداختند.

#### ◆ چهلّم واقعه فیضیه

ایام پس از حادثه فیضیه به اعتصاب و اعتراض عموم مردم گذشت. با نزدیک شدن به چهلّم واقعه فیضیه اقدامات مخالفان رژیم در آگاه‌سازی افکار عمومی راجع به جنایت‌های رژیم گسترش یافت. امام خمینی بار دیگر با صدور اعلامیه‌ای تاریخی راه را برای پیروانشان روشن ساخت و آنان را در چگونگی مبارزه با رژیم دیکتاتوری پهلوی هدایت کرد.

## متن اعلامیه حضرت حجة الاسلام والمسلمین حضرت آية الله العظمى آقاى خمينى ادام الله تظله على رؤوس المسلمين به مناسبت چهارم فاجعه قم

### بسم الله الرحمن الرحيم

چهل روز از مرگ و شرب جرح عزیزان ما گذشت، چهل روز است با زمانندگان کشتگان، مدرسه فاضیه بر عزیزان خود سوگواری میکنند. دیروز پدر قد خدیجه مرحوم سید یونس رودباری که آثار عظمت مصیبت، چهره اش را دردم شکسته بود بلافاصله من آمد باجه زبان می‌شود مادرهای فرزندان مرده و پدرهای غدیبه را تسلیت داد:

باید پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و امام عصر عجل الله تعالی فرجه عرض تسلیت کرده ما برای خاطر آن بزرگواران سبلی خوردیم. جوانان خود را از دست دادیم، چرم‌ماهیات از اسلام و استقلال ایران است، ما برای اسلام اینهمه اهانت شده و می‌شویم، مادرانتظار حبس و زجر و اعدام نشسته‌ایم، بگذار دستگاه جبار هر عمل غیر انسانی که می‌خواهد بکند، دست و پای جوانان ما را بشکند، مریضی‌ها ما را از می‌بشانه‌ها بیرون کند، مادر! تهدید، بقتل و هتک اعراض کند، مدارس علم‌دین را خراب کند، کیوتران حرم‌الاسلام را از آشپزخانه خود آوار کند، در این چهل روز ما نتوانستیم احصایه مقتولین و مصدومین و غارت‌شدگان را درست به‌یاد آوریم، نمی‌دانیم چند نفر در زیر خاک و چند نفر در سیاه‌چالهای زندان‌ها و چند نفر در پنهانی پس می‌برند، چنانکه بعد از سال‌های دراز عدد مقتولین مسجد گوهرشاد را که با کلیونیا حمل کردند نمی‌دانیم. اشکال بزرگ آن است که بهر دستگاهی رجوع می‌شود می‌گویند: اینها که شده‌است با امر اعلی حضرت است و جاریه‌ای نیست از نخست‌وزیر تا رئیس شهر باقی و فرماندهان، همه می‌گویند: فرمان مبارک است، می‌گویند: جنایات مدوسه فاضیه بدستور ایشان است، بدستور اعلی حضرت مریضی‌ها را از می‌بشانه بیرون کردند، دستور ایشان است که اگر در جواب حضرت آية الله حکیم، گزائی انجام دهید، کساندها و زنی‌های هر جناحی را بنام شاه‌پریشیم و شامها و بکشیم و خانه‌هاشان را غارت کنیم، دستور اعلی حضرت است که بدون مجوز قانونی طلاب را بگیریم و بلباس سربازی در آوریم، دستور اعلی حضرت است که بدانشگاه بریزند و دانشجویان را بکوبند.

مأمورین تمام قانون‌شکنی‌ها را بشاه نسبت می‌دهند، اگر اینها صحیح است، باید فاتحه اسلام و ایران را قوانین راخوانند، و اگر صحیح نیست اینها بدو جرم‌های قانون‌شکنی‌ها و اعمال غیر انسانی را بشاه نسبت می‌دهند، پس چرا ایشان از خود دفاع نمی‌کنند تا تکلیف مردم با دولت روشن شود و عدالت جرم‌ها بشناسند و در موقع مناسب برای اعمال خود پشیمانند؟

کراواتی که در راهم که این دولت سوعیت داشته و با احکام اسلام مغالط است نمونه‌های آن یکی پس از دیگری ظاهر می‌شود، وزارت دادگستری دولت با طرح‌های خود و افعال اسلام و رجوعیت از شرایط قضات مغالطه خود و با احکام مسلمة اسلام ظاهر کرد از این بعد باید در اعتراض و نفوس مسلمین پیوسته و نصدان اسلام و مسلمین مخالفت کنند منطبق این دولت و بعضی اعضاء آن محو اسلام است تا این دولت غاصب باقی سرکار است مسلمین روز خوش نخواهند دید.

من نمی‌دانم اینهمه بی‌فرهنگی و جنایات برای نفت قم است و حوزه علمیه باید فدای نفت شود؛ یا برای اسرائیل است، و ما را مزاحم پیمان با اسرائیل دول اسلامی می‌دانند؟

در هر صورت ما باید نابود شویم، اسلحه اسلحه اسلام و فقهاء اسلام باید فدا شوند، دستگاه جبار گمان کرده‌است با این اعمال غیر انسانی و فشارها می‌تواند ما را از مقصد خود که جلوگیری از ظلم و خودسریها و قانون شکنی‌ها و حفظ حقوق اسلام و ملت و برقراری عدالت اجتماعی که مقصد بزرگ اسلام است منصرف کند؟

ما از سربازی فرزندان اسلام‌هراسی نداریم، بگذار جوانان ما پس‌بازخانه بروند و سربازان را تربیت کنند و سطح افکار آنها را بالا ببرند، بگذار در بین سربازان، افراد روشن‌شیر و آرزومندی باشند تا بلکه به خواست خداوند متمثال، ایران آزادی و سربندی نائل شود. ما می‌دانیم که صاحب‌منصبان معظم ایران، درجه‌داران محترم افراد نجیب ارتش با ما در این مقاصد همراه و برای سربازان ایران فداکار هستند من نمی‌دانم در چه داران و باوجدان راضی باین جنایات و وحشیگریها نیستند، من از فشارهایی که بر آنها وارد می‌شود مطلع و متأسفم من بآنها برای نجات ایران و اسلام دست برداری می‌دهم، من می‌دانم قلب آنها از تسلیم در مقابل اسرائیل مضطرب است، و راضی نمی‌شوند ایران در زیر چکمه پیروز پایمال شود.

من بصران مسالک اسلامی و دول عربی و غیر عربی اعلامی کنم: علماء اسلام و زعمای دین و ملت دیندار ایران و ارتش نجیب با دولت اسلامی برادر است و دو منافع و مضار همدوش آنها است از بیان با اسرائیل دشمنی و دشمنی ایران منتظر و منجز است اینجانب این مطلب را بصراحت گفتم، بگذار عمال اسرائیلی بی‌زندگی من خاتمه دهند.

مناسب است، ملت مسلمان در ایران و غیر ایران، روز چهارم فاجعه بزرگ اسلام، بادی از مصیبت‌های وارده بر اسلام و حوزه‌های اسلامی بکنند و در صورتیکه عمال دولت مانع نشوند مجالس سوگواری داشته باشند و بر مسجبین این فجايع نفرین کنند.

روح‌انه الموسوی الخمينی



بسم الله الرحمن الرحيم

چهل روز از مرگ و ضرب و جرح عزیزان ما گذشت، چهل روز است بازماندگان کشتگان مدرسه فیضیه بر عزیزان خود سوگواری می‌کنند. دیروز پدر قد خمیده مرحوم سید یونس رودباری که آثار عظمت مصیبت، چهره‌اش را در هم شکسته بود، به ملاقات من آمد. با چه زبان می‌شود مادرهای فرزند مرده و پدرهای غمدیده را تسلیت داد؟ باید به پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله - و امام عصر - عجل الله تعالی فرجه - عرض تسلیت کرد. ما برای خاطر آن بزرگواران سیلی خوردیم و جوانان خود را از دست دادیم. جرم ما حمایت از اسلام و استقلال ایران است. ما برای اسلام این همه اهانت شده و می‌شویم. ما در انتظار حبس و زجر و اعدام نشسته‌ایم. بگذار دستگاه جبار، هر عمل غیر انسانی که می‌خواهد بکند، دست و پای جوانان ما را بشکند، مریض‌های ما را از مریضخانه‌ها بیرون کند، ما را تهدید به قتل و هتک اعراض کند، مدارس علم دین را خراب کند، کبوتران حرم اسلام را از آشیانه خود آواره کند. در این چهل روز ما نتوانستیم احصاییه مقتولین و مصدومین و غارت‌شدگان را درست به دست بیاوریم، نمی‌دانیم چند نفر در زیر خاک و چند نفر در سیاهچال‌های زندان‌ها و چند نفر در پنهانی به سر می‌برند، چنان‌که بعد از سال‌های دراز، عدد مقتولین مسجد گوهرشاد را که با کامیون‌ها حمل کردند نمی‌دانیم. اشکال بزرگ آن است که به هر دستگاهی رجوع می‌شود می‌گویند: اینها که شده است به امر اعلی‌حضرت است و چاره‌ای نیست. از نخست‌وزیر تا رئیس شهربانی و فرماندار قم همه می‌گویند: فرمان مبارک است. می‌گویند جنایات مدرسه فیضیه به دستور ایشان است، به دستور اعلی‌حضرت، مریض‌ها را از مریضخانه بیرون کردند، دستور ایشان است که اگر در جواب حضرت آیت‌الله حکیم کاری انجام دهید، کماندوها و زن‌های هرجایی را به منازل شماها بریزیم و شماها را بکشیم و خانه‌هاتان را غارت کنیم. دستور اعلی‌حضرت است که بدون مجوز قانونی طلاب را بگیریم و به لباس سربازی درآوریم، دستور اعلی‌حضرت است که به دانشگاه بریزند و دانشجویان را بکوبند.

مأمورین، تمام قانون‌شکنی‌ها را به شاه نسبت می‌دهند، اگر اینها صحیح است باید فاتحه اسلام و ایران و قوانین را خواند، و اگر صحیح نیست و اینها به دروغ، جرم‌ها و قانون‌شکنی‌ها و اعمال غیر انسانی را به شاه نسبت می‌دهند، پس چرا ایشان از خود دفاع نمی‌کنند تا تکلیف مردم با دولت روشن شود و عمال جرم را بشناسند و در موقع مناسب به سزای اعمال خود برسانند؟!

کرارا تذکر داده‌ام که این دولت سوء نیت داشته و با احکام اسلام مخالف است. نمونه‌های آن یکی پس از دیگری ظاهر می‌شود، وزارت دادگستری با طرح‌های خود و الغای اسلام و رجولیت از شرایط قضات، مخالف خود را با احکام مسلمة اسلام ظاهر کرد. از این به بعد باید در اعراض و نفوس مسلمین، یهود و نصاری و دشمنان اسلام و مسلمین دخالت کنند. منطق این دولت و بعضی اعضای آن محو اسلام است. تا این دولت غاصب یاغی سر کار است مسلمین روز خوش نخواهند دید.

من نمی‌دانم این همه بی‌فرهنگی و جنایات برای نفت قم است و حوزه علمیه باید فدای نفت شود؟ یا برای اسرائیل است و ما را مزاحم پیمان با اسرائیل در مقابل دول اسلامی می‌دانند؟

در هر صورت ما باید نابود شویم؛ اسلام و احکام اسلام و فقهای اسلام باید فدا شوند. دستگاه جبار گمان کرده است با این اعمال غیر انسانی و فشارها می‌تواند ما را از مقصد خود، که جلوگیری از ظلم و خودسری‌ها و قانون‌شکنی‌ها و حفظ حقوق اسلام و ملت و برقراری عدالت اجتماعی، که مقصد بزرگ اسلام است، منصرف کند.

ما از سربازی فرزندان اسلام هراسی نداریم؛ بگذار جوانان ما به سربازخانه‌ها بروند و سربازان را تربیت کنند و سطح افکار آنها را بالا ببرند؛ بگذار در بین سربازان، افراد روشن‌ضمیر و آزادمنشی باشند تا بلکه به خواست خداوند متعال ایران به آزادی و سربلندی نائل شود. ما می‌دانیم که صاحب‌منصبان معظم ایران، درجه‌داران محترم، افراد نجیب‌ارتش، با ما در این مقاصد همراه و برای سرافرازی ایران فداکار هستند. من می‌دانم درجه‌داران با وجدان، راضی به این جنایات و وحشی‌گری‌ها نیستند. من از

فشارهایی که بر آنها وارد می‌شود مطلع و متأسفم. من به آنها برای نجات اسلام و ایران دست برادری می‌دهم. من می‌دانم قلب آنها از تسلیم در مقابل اسرائیل مضطرب است و راضی نمی‌شوند ایران در زیر چکمه یهود پایمال شود.

من به سران ممالک اسلامی و دول عربی و غیر عربی اعلام می‌کنم: علمای اسلام و زعمای دین و ملت دیندار ایران و ارتش نجیب، با دول اسلامی برادر است و در منافع و مضار همدوش آنهاست؛ و از پیمان با اسرائیل - دشمن اسلام و دشمن ایران - متنفر و منزجر است. اینجانب این مطلب را به صراحت گفتم، بگذار عمال اسرائیلی به زندگی من خاتمه دهند.

مناسب است ملت مسلمان - در ایران و غیر ایران - روز چهارم فاجعه بزرگ اسلام، یادی از مصیبت‌های وارده بر اسلام و حوزه‌های اسلامی بکنند؛ و در صورتی که عمال دولت مانع نشوند، مجالس سوگواری داشته باشند و بر مسببین این فجایع نفرین کنند.

روح الله الموسوی الخمینی

در پی صدور اعلامیه امام به مناسبت چهارم فاجعه فیضیه، اعلامیه‌های دیگری نیز از طرف مقامات روحانی، طلاب و برخی سازمان‌های سیاسی صادر شد. متن یکی از این اعلامیه‌ها به شرح زیر است:

چهلمین روز حادثه جانگداز مدرسه فیضیه قم

چهل روز است که از حمله وحشیانه سپاه چنگیزی - کماندوها و مأموران مسلح دولتی با حمایت پلیس و «سازمان ناامنی» در قم می‌گذرد.

چهل روز است که از جریان زدن، کشتن، دریدن، سوزانیدن و غارت کردن مدرسه فیضیه می‌گذرد. در این چهل روز عده‌ای زیاد از طلاب علوم دینی در اثر شکستگی سر و دست و پا تحت معالجه بودند.

از عده مفقودین در این حادثه هنوز اطلاعی به دست نیامده. بازماندگان چندین نفر کشته، هنوز در این حادثه عزا دارند. درب، پنجره، شیشه، صحن و سرای مدرسه فیضیه

هنوز جنایات گذشته را بر واردین حکایت می‌کند.

آری چهل روز دیگر مردم در زیر یوق استبداد و بیدادگری ادامه زندگی داده‌اند. چه زندگی؟ که صد بار مرگ بر آن شرف دارد. چه زندگی؟ که مردم به چشم خود دیدند عزیزانشان در خاک و خون تپیده‌اند. برادرانشان در سیاهچال‌های زندان، شبانه‌روز به سر می‌آورند. در هر گوشه کشور، لهیب آتش بیدادگری شعله‌ور گردیده، عده‌ای از هم‌میهنان عزیز در آن می‌سوزند. هر روز ده‌ها نفر مجروح و مقتول از شیراز به بیمارستان‌ها و قبرستان‌ها حمل می‌شود. قتل و غارت، چپاول، فقر، ورشکستگی، افلاس و ناامنی سراسر مملکت را فرا گرفته است، غلام حلقه به گوش و خانه‌زاد (علم) بر اجساد مرده مردم می‌رقصد و بر گرفتاری آنان پوزخند می‌زند.

از حکومت غلام حلقه به گوش، مردم به فغان و فریاد درآمده‌اند و هر چه فریاد آنان زیاده‌تر شود، مظالم این خیره‌سر افزون می‌گردد.

در رأس وزارت دادگستری که ملجأ و پناه مردم در گرفتاری‌هاست، از همین حکومت فاسد و شخص مزدور و خائن قرار داده‌اند که مظالم را ندیده ببینند و به شکایات مردم گوش فرا ندهد.

ضمناً به اطلاع عموم می‌رساند از ۱۲ اردیبهشت در سراسر کشور، مراسم سوگواری به مناسبت چهلمین روز حادثه مدرسه فیضیه قم انجام می‌یابد و مردم مراتب انزجار و تنفر خود را از عملیات وحشیانه هیأت حاکمه غاصب ضحاک‌ی ابراز می‌دارند هر سوگواری متعقب به شادمانی است.<sup>۱</sup>

اعلامیه‌های منتشره از سوی قشرهای مختلف نشان می‌داد که عموم مردم از جنایات رژیم باخبر شده‌اند و هیچ توجیهی را پیرامون آن واقعه نمی‌پذیرند. به دنبال نشر اعلامیه امام که در آن از عموم طبقات خواسته شده بود مراسم سوگواری و عزاداری برای شهدای روحانیت برپا دارند، در تهران و قم و بسیاری از شهرستان‌ها از طرف

اصناف مختلف و جامعه روحانیت، مجالس و مراسم مهمی برپا شد و برگزاری این مجالس یادبود تا مدت‌های طولانی به طور مداوم و پی در پی ادامه داشت و در هر اعلامیه‌ای که از طرف گروه‌های مختلف برای تشکیل مجلس یادبود شهدای فیضیه منتشر می‌شد جمله «... و به پیروی از فرمان لازم‌الاتباع حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی...» قید می‌گردید.



**واقعۀ فیضیه را می‌توان تولد انقلابی دانست که با جریان ۱۵ خرداد همان سال خود را به تمام جهان نشان داد. این واقعۀ رهبری قاطع امام خمینی را در مبارزات ضد استعماری و ضد ارتجاعی به اثبات رساند و جمع زیادی از مردم کشور را با ایشان و نهضتشان آشنا نمود. واقعۀ دوم فروردین را می‌توان عامل پیوند بی‌پایان مردم و روحانیون و افشای ماهیت جنایتکار رژیم دانست.**



در قم پیش از هر کس امام به برگزاری مراسم سوگ برای شهدای فیضیه پرداخت و مجلس با شکوهی در مسجد اعظم برپا کرد. علی‌رغم تهدید رئیس ساواک قم مبنی بر بازداشت سخنرانان مجلس و برهم زدن مجلس در صورت سخنرانی پیرامون مسائل سیاسی دکتر محمد صادقی تهرانی در این مراسم به منبر رفت و با کمال شهادت به شخص شاه و رژیم پهلوی حمله کرد و جنایات و وحشی‌گری‌هایی را که در مدرسه فیضیه انجام دادند تقبیح و نکوهش کرد و مجلس با کمال آرامش پایان پذیرفت.

در تهران و برخی دیگر از شهرهای

بزرگ، هر شب چندین مجلس و مراسم در مساجد مختلف برگزار می‌شد و سخنرانان با کمال شهادت و شجاعت جنایات رژیم را در مدرسه فیضیه بازگو می‌کردند و خشم و نفرت مردم را علیه دستگاه حاکمه به شدت تحریک می‌نمودند و به روشنگری می‌پرداختند و آنگاه که بر منبر، نام امام خمینی برده می‌شد، مردم با صلوات بلند نسبت به رهبر خویش، ابراز احساسات می‌کردند. رژیم شاه که از شدت خشم و تنفر و انزجار توده‌ها از جریان مدرسه فیضیه به

خوبی آگاهی داشت، از برگزاری مجالس و مراسم برای شهدای فیضیه جلوگیری نکرد و در برابر شعارهای تند و انقلابی که پس از پایان هر مجلس یادبود علیه رژیم و به نفع رهبری امام و شهدای فیضیه سرداده می‌شد به ظاهر عکس‌العمل نشان نمی‌داد، فقط در چند مورد که مردم پس از پایان مجلس دست به تظاهرات زدند و به پلیس انتظامی مستقر در محل حمله ور شدند، برخوردهایی میان مردم و پلیس صورت گرفت و عده‌ای نیز دستگیر شدند.

واقعه فیضیه را می‌توان تولد انقلابی دانست که با جریان ۱۵ خرداد همان سال خود را به تمام جهان نشان داد. این واقعه رهبری قاطع امام خمینی را در مبارزات ضد استعماری و ضد ارتجاعی به اثبات رساند و جمع زیادی از مردم کشور را با ایشان و نهضتشان آشنا نمود. واقعه دوم فروردین را می‌توان عامل پیوند بی‌پایان مردم و روحانیون و افشای ماهیت جنایتکار رژیم دانست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی